

فصل ششم: مبانی استنباط حقوق اسلامی

مبحث اول: وضع الفاظ

کلمه «خانه‌شان» در عبارت: فرزندان خود را از خانه‌شان بیرون کنید. با توجه به مالکیت پدر نسبت به خانه، در معنای مجازی است.

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) به قرینه صارفه

ب) به قرینه مقایسه

ج) به قرینه مقالیه

د) به قرینه عقلیه

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلمه منظور از «قرینه» به کار بردن علامت و نشانه‌ای است که نشان دهد معنای حقیقی منظور نیست و ذهن شنونده را از معنای حقیقی منصرف سازد و از این روی آن را «قرینه صارفه» نیز می‌گویند. در مقابل قرینه صارفه، «قرینه معینه» قرار دارد که برای تخصیص معنای حقیقی لفظ مشترک به کار برده می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۴۰)

۱- با توجه به ۴۹۰ همان قانون^۱، «مستأجر باید در صورت عدم تعیین موعد، مال‌الاجاره را نقداً بپردازد.» کدام گزینه درست است؟

(آزمون ۱۳۹۲)

الف) امر وضعاً دلالت بر فور می‌کند.

ب) امر اطلاقاً دلالت بر تراخی می‌کند.

ج) امر وضعاً دلالت بر فور می‌کند مگر قرینه برخلاف آن باشد.

د) امر وضعاً دلالتی بر فور یا تراخی نمی‌کند مگر با وجود قرینه

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۲- به کاربردن کلمه «قرار» برای تصمیمی از دادگاه‌ها که مربوط به ماهیت دعوی نیست در معنای است. (آزمون ۱۳۸۰)

الف) حقیقی

ب) حقیقت عرفیه

ج) مجازی

د) حقیقت شرعیه (قانونی)

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه حقیقت لفظی است که در «ما وضع له» به کار رفته باشد و مجاز لفظی است که در «غیر ما وضع له» به کار رفته باشد.

(آزمون ۱۳۸۱)

۳- اصالة الحقیقه، چه اصلی است؟

الف) اصلی است که معنی حقیقی لفظ را مشخص می‌سازد.

ب) اصلی است که علائم حقیقت و مجاز را معین می‌کند.

ج) اصلی است که مکلف را به رعایت حقیقت الزام می‌کند.

د) اصلی است که در صورت تردید در استعمال معنی حقیقی و مجازی، توجه به معنی حقیقی را الزام می‌کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۴ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۹.

(آزمون ۱۳۸۱)

۴- قرینه معینه، در چه مواردی ضرورت دارد؟

الف) در استعمال مجازی الفاظ

۱. منظور از همان قانون، «قانون مدنی» می‌باشد که در اینجا اشتباه عنوان شده است.

ب) در استعمال الفاظ مترادف

ج) در استعمال لفظ مشترک در یکی از معانی آن

د) در استعمال لفظ، در اکثر از معنی واحد

گزینه «ج» صحیح می باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۸.

(آزمون ۱۳۸۲)

۵- در باب استعمال الفاظ، مقصود از «اطراد» چیست؟

الف) کثرت استعمال لفظی در معنی مجازی، اطراد گفته می شود.

ب) کثرت استعمال لفظی در معنی عرفی، اطراد آن لفظ در آن معنی می باشد.

ج) کثرت استعمال لفظ، در یک معنی خاص، همراه با قرینه صارفه را اطراد گویند.

د) کثرت استعمال لفظ در یک معنی خاص، بدون استفاده از قرینه را اطراد گویند.

گزینه «د» صحیح می باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۷.

(آزمون ۱۳۸۳)

۶- «صحت سلب»، علامت معنی است.

الف) حقیقی

ب) مجازی

ج) تعینی (تخصصی)

د) عرفی (عرف عام)

گزینه «ب» صحیح می باشد.

کلمه صحت سلب معنایی از لفظی علامت مجاز بودن و عدم صحت سلب آن علامت حقیقت بودن آن است. مثلاً به مراجع رسیدگی اداری گاهی می گویند «دادگاه» اما می توان گفت این مراجع دادگاه نیستند. پس هرگاه آنها را دادگاه بنامیم مجازی هستند. ولی، به محاکم دادگستری نمی توان گفت «دادگاه نیستند». پس این استعمال حقیقی است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۷)

۷- ماده ۸۶۲ قانون مدنی می گوید: «اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند سه طبقه اند: ۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد» کلمه «اولاد» در این بند نسبت به متوفی: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) صحت سلب دارد و مجاز است.

ب) صحت سلب دارد و حقیقت است.

ج) عدم صحت سلب دارد و مجاز است.

د) عدم صحت سلب دارد و حقیقت است.

گزینه «د» صحیح می باشد.

کلمه ولد و فرزند نسبت به زاده از خود عدم صحت سلب دارد و حقیقت است.

www.Magazine.Shme.ir

✎ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، صفحه ۳۱.

۸- اگر در قرارداد استخدامی کسی، قید شود که: «به اختلافات محتمله ناشی از این قرارداد، دادگاه رسیدگی خواهد کرد»، کدام دادگاه صلاحیت خواهد داشت؟

(آزمون ۱۳۸۳)

ب) دادگاه صنفی

الف) دادگاه اداری

د) دادگاهی که طرفین بر آن، توافق خواهند کرد.

ج) دادگاه صلاحیت دار دادگستری

گزینه «ج» صحیح می باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۹.

۹- اصله الحقیقه، در چه مواردی کاربرد دارد؟

(آزمون ۱۳۸۳)

- الف) در موارد تردید در منظور گوینده میان معنی حقیقی و مجازی یک لفظ
ب) در موارد تردید در تشخیص معنی حقیقی و مجازی که از یک لفظ اراده می‌شود.
ج) در موارد تردید میان معنی لغوی و معنی عرف (عرف عام) یک لفظ.
د) در موارد تردید میان معانی متعدد از الفاظ مشترک.
گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۹.

۱۰- تفاوت مهم وضع تعینی با وضع تعینی در چیست؟

(آزمون ۱۳۸۴)

- الف) در آثار آن است. ب) در واضع آن است.
ج) در تفاوت ماهوی آن است. د) در کثرت استعمال آن است.
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه وضع لفظ را به لحاظی به وضع تعینی و تعینی یا تخصیصی و تخصیصی تقسیم می‌کنند. وضع تعینی یا تخصیصی در اثر جعل و قراردادن و انشای واضع به وجود می‌آید و وضع تعینی یا تخصیصی در اثر کثرت استعمال محقق می‌گردد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۳۴ و ۳۵)

۱۱- اقسام قرینه عبارتند از:

(آزمون ۱۳۸۴)

- الف) لغوی و عرفی ب) تعیدی و توصیلی
ج) تعینی و تخصیصی د) صارفه و معینه
گزینه «د» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۸.

۱۲- حقیقت عرف عام چیست؟

(آزمون ۱۳۸۵)

- الف) معنایی است که عرف، آن را بر معانی دیگر لفظ مشترک، ترجیح داده است.
ب) معنایی متفاوت با معنی لغوی که مردمان با کثرت استعمال، برای آن لفظ، تثبیت کرده است.
ج) معنایی است که عرف، آن را بر معنی مجازی لفظ ترجیح داده است.
د) معنایی است که عرف، آن را معنی حقیقی لفظ می‌داند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه کثرت استعمال لفظ در معنایی متفاوت با معنای لغوی آن، اگر آنچنان در عرف مردم رایج شده باشد که دیگر معنای لغوی آن واژه در عرف، دور از ذهن باشد، آن را حقیقت عرفی می‌نامند.

عرف عام در برابر عرف خاص قرار دارد. و منظور از آن معمول و متعارف بین مردم است بدون تعلق به دسته خاص و فن مخصوص در حالی که، عرف خاص اصطلاح معمول بین عده‌ای مخصوص و یا فن خاص است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۴۰ و ۴۱)

۱۳- دو شرطی که در استعمال مجازی الفاظ، باید رعایت شوند، کدام‌اند؟

(آزمون ۱۳۸۶)

- الف) قرینه لفظی و نیز وجود شباهت میان معنی حقیقی و مجازی لفظ.
ب) قرینه معینه و نیز وجود نسبت قابل قبول ذوق‌ها میان معنی حقیقی و مجازی لفظ.
ج) قرینه معینه لفظی یا معنوی و تشابه میان معنی حقیقی و مجازی لفظ.

د) قرینه صارفه و وجود نسبت ذوق پسند میان معنی حقیقی و مجازی لفظ.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کجاست استعمال مجازی لفظ مشروط به دو شرط است: یکی علاقه یا مناسب و دیگری قرینه صارفه. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۸)

۱۴- حقیقت قانونی چیست؟

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) هرگاه قانون‌گذار با اقدام خود، لفظی را از معانی عادی آن جدا کرده و در معنی منظور خود تثبیت کند به طوری که بدون قرینه همان معنی از آن لفظ استفاده شود.

ب) هرگاه قانون‌گذار به کمک قرینه، لفظی را در یکی از معانی حقیقی مشترک آن بکار برده باشد.

ج) هرگاه قانون‌گذار معنی حقیقی لفظی را از معانی مجازی آن مشخص ساخته باشد.

د) هرگاه قانون‌گذار لفظی را در یک متن قانونی در معنی حقیقی آن بکار برده باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۴۵.

۱۵- وضع تعینی یا تخصصی چیست؟

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) هرگاه واضح، لفظی را به کمک قرینه در یک معنی خاص، معین کند.

ب) هرگاه واضح، لفظی را به کمک قرینه در یکی از معانی متعدد آن تخصیص دهد.

ج) هرگاه واضح، لفظی را بدون استفاده از قرینه به یک معنی خاص، تخصیص دهد.

د) هرگاه لفظی در اثر کثرت استعمال در معنایی به غیر از معانی وضعی آن تثبیت شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۵.

۱۶- صحت سلب، از علائم حقیقت است یا مجاز؟

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) از علائم معنی حقیقی وضعی است.

ب) از علائم معنی عرفی لفظ است.

ج) از علائم معنی مجازی لفظ است.

د) علامت هیچ یک از معانی حقیقی یا مجازی نیست.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کجاست صحت سلب معنایی از لفظی علامت مجاز بودن و عدم صحت سلب آن علامت حقیقت بودن آن است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی

استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۷)

www.Magazine.Shme.ir

(آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

۱۷- مجمل کلامی است که.....

الف) بسیار زیبا و فصیح باشد.

ب) بی‌معنا باشد.

ج) معنای آن مردد بین دو یا چند احتمال باشد و بدانیم گوینده کدام یک را خواسته است.

د) معنی آن مردد بین دو یا چند احتمال باشد و ندانیم گوینده کدام یک را خواسته است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۳۹ و ۱۴۰.

- الف) اصالت صحت (ب) اصالت ظهور
ج) اصالت الاطلاق (د) اصالت عدم

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۴۷.

۱۹- هرگاه در معنای الفاظ مربوط به موضوعات و متعلقات احکام شارع و قانون‌گذار شک کنیم: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

- الف) حمل بر معنای مصطلح در محیط شرع یا قانون می‌شوند، نه معنای عرفی.
ب) چنان الفاظی، قابلیت استناد ندارند، زیرا در محیط قانونگذاری، الفاظ مشکوک‌الدلالة اصولاً فاقد اعتبار است.
ج) اصولاً حمل بر معنای عرفی می‌شوند، مگر اینکه شارع یا قانون‌گذار به نحو وضع تعیینی یا تعینی معنای خاصی از آنها اراده کرده باشد.
د) در وهله نخست به عرف خاص و سپس به عرف مراجعه می‌کنیم.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۵۱.

۲۰- با توجه به ماده ۳۳ قانون مدنی که مقرر داشته است: «نما و محصولی که از زمین حاصل می‌شود مال مالک زمین است ... مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر، حاصل شده باشد، ...» کدام گزینه نادرست است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) قسمت ذیل ماده، مخصص متصل حکم عام موجود در صدر ماده است.
ب) لفظ عام در جمله «مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر، حاصل شده باشد» ابتدائاً ظهوری در عام پیدا نمی‌کند.
ج) این دلیل عام است و از آنجا که دلیل خاص به آن متصل شده است عام با دلیل خاص تخصیص خورده است.
د) در چنین جملاتی، که خاص مجمل است اجمال به دلیل عام سرایت می‌کند و فرقی بین مخصص و منفصل از این حیث وجود ندارد.
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۱۰ و ۱۱۱.

مبحث دوم: اوامر

۲۱- طبق ماده ۴۳۵ قانون مدنی: «خیار عیب بعد از علم به آن فوری است.» در مورد این ماده، کدام گزینه صحیح است؟

(آزمون ۱۳۹۲)

- الف) واجب مضیق (ب) واجب موسع
ج) واجب غیر موقت (د) واجب مشروط

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۵۹.

۲۲- مؤجر باید عین مورد اجاره را به مستأجر تسلیم کند، این الزام از نوع واجب است. (آزمون ۱۳۸۰)

- الف) اصلی (ب) تخییری
ج) تعبدی (د) کفائی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۵۹.

۲۳- ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی: «نفقه ابوين با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.» حکم مصداق کدام گزینه می- باشد؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) واجب کفائی

ب) واجب عینی

ج) واجب تعیینی

د) واجب غیری

گزینه «الف» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۶۰.

۲۴- مطابق ماده ۱۱۴ قانون مدنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگری ممکن نباشد.» حکم صدر و ذیل ماده در خصوص عدم جواز و جواز اجبار شریک بر بنا و تعمیر دیوار مشترک به ترتیب مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) حکم اولی که مبتنی بر اصل تسلیط است - حکم ثانوی

ب) حکم ثانوی که مبتنی بر اصل تسلیط است - حکم اولی

ج) حکم اولی - حکم ثانوی که مبتنی بر اصل تسلیط است

د) حکم ثانوی - حکم اولی که مبتنی بر اصل تسلیط است

گزینه «الف» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۶۷ و ۲۶۷/۱.

۲۵- طبق ماده ۶۷ قانون مدنی: «مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست، وقف آن باطل است...» حکم مندرج در این ماده: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) حکم وضعی است چون مستقیماً ارتباط با افعال مکلفین ندارد.

ب) حکم تکلیفی است چون مستقیماً با افعال مکلفین ارتباط دارد.

ج) حکم ظاهری است چون ظهور عبارت در بطلان چنین عملی است.

د) حکم تکلیفی از نوع حرمت است چون هیچ کس نباید چنین مالی را وقف کند.

گزینه «الف» صحیح می باشد.

حکم وضعی عبارت از وضعیت اعتباری در شیئی معین می باشد که به آن اعتبار به نحوی از انحاء در شیئی دیگر تأثیر می نماید. (امامی، دکترسیدحسن، حقوق مدنی، مقدمه جلد ۲، صفحه ۷)

اصولیین متأخر هرچه را در تغییرات اصولی، فقهی و شرعی حکم بگویند و جزو پنج حکم تکلیفی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت، اباحه) نباشد، حکم وضعی می نامند از قبیل شرطیت، مانعیت، علیت، علامت، رخصت، عزیمت، زوجیت، ملکیت، حجیت، ولایت و غیره.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۵۸.

۲۶- مطابق ماده ۶۵ قانون مدنی: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف شده باشد منوط به اجازه دیان است.» اناطه صحت چنین وقفی به اجازه دیان مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) حکم وضعی

ب) حکم تکلیفی

ج) واجب اصلی

د) واجب تخییری

گزینه «الف» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۵۸.

(آزمون ۱۳۸۱)

۲۷- حکم وضعی چیست؟

الف) حکمی است که مستقیماً با فعل مکلفین مربوط نباشد.

- ب) حکمی است که مستقیماً با فعل مکلفین مربوط باشد.
- ج) حکمی است که وضع و کیفیت انجام مأمور به را معین کند.
- د) حکمی است که قانون‌گذار بر مکلفین، الزام کرده است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۵۲.

(آزمون ۱۳۸۱)

۲۸- در واجبات تخییری چه اصلی حاکم است؟

الف) اصل تخییر حاکم است.

ب) هیچ اصلی جاری نیست.

ج) اصل احتیاط حاکم است.

د) قاعده ترتب و تقدم اهم بر مهم باید رعایت شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۲۹- ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی می‌گوید: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است»؛ ماده ۳۲۸ آن قانون نیز می‌گوید: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد» هر یک از این دو ماده به ترتیب مصداق کدامیک از موارد زیر است؟

(آزمون ۱۳۹۰)

الف) دلیل قطعی و دلیل ظنی

ب) حکم ظاهری و حکم واقعی

ج) حکم واقعی و حکم ظاهری

د) دلیل اجتهادی و دلیل فقهاتی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

حکم ظاهری عبارت است از اینکه با فرض جهل به حکم واقعی، حکمی برای مسأله معین کنند و حکم واقعی عبارت است از حکم شرع در هر قضیه‌ای بدون توجه به علم و جهل مکلف که ممکن است بدان پی ببرد و ممکن است پی نبرد. مثل حکم واقعی شرع در مورد مال مشتبّه که در واقع و حقیقت فقط مالک مال حق تصرف در آن را دارد و متصرف اگر مالک واقعی نباشد، تصرفش مجاز نخواهد بود.

✍ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۲۶۷.

(آزمون ۱۳۸۱)

۳۰- حکم ظاهری چیست؟

الف) حکمی است که مؤدای اجراء اصلی است.

ب) حکمی است که از ظواهر ادله، استنباط می‌شود.

ج) حکمی است که ظواهر امور را مورد توجه قرار داده است.

د) حکمی است که در شرایط اضطراری، معین شده است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

www.Magazine Shme.ir

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۹۷.

۳۱- در رابطه با ماده ۸۷۴ قانون مدنی که مقرر داشته: «اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدّم و تأخّر مجهول باشد فقط آن که تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد» کدام گزینه صادق است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) حکم ظاهری و اصل احتیاط

ب) حکم واقعی اولی و اصل استصحاب

ج) حکم ظاهری و اصل تأخّر حادث

د) حکم نفسالامری و اصل استصحاب

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۶۷، ۱/۲۶۷ و ۲۸۵.

(آزمون ۱۳۸۱)

۳۲- شرط، در اصطلاح اصول چیست؟

(الف) تعهدی است که در ضمن عقدی به عمل آید.

(ب) آن است که مقرون به ادات شرط است.

(ج) آن است که وجودش مستلزم وجود مشروط نبوده اما عدمش موجب عدم مشروط می‌گردد.

(د) آن است که وجودش موجب وجود مشروط و عدمش موجب عدم آن می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه شرط در اصطلاح اصولیین عبارت است از قیدی که از عدم آن عدم مشروط لازم آید بدون اینکه وجودش مستلزم وجود مشروط باشد.

مانند: قدرت بر تسلیم بیع که شرط بیع است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۸۰)

(آزمون ۱۳۸۲)

۳۳- به نظر مشهور، «امر» حقیقت در چه معنی است؟

(الف) حقیقت در الزام و وجود است.

(ب) حقیقت، در طلبکاری از مکلف است.

(ج) حقیقت در وجه مشترک میان الزام و استحباب و اباحه است.

(د) حقیقت، در جواز به معنی الاغم است مگر قرینه‌ای دال بر وجوب یا استحباب و اباحه وجود داشته باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلمه ماده و صیغه امر در زبان عرب به معانی متعددی آمده‌اند و در اینکه در کدام یک از آنها حقیقت هستند یا مجاز. در اصول مباحثی وسیع

به وجود آمده، لکن سرانجام بیشتر اصولیین به این نتیجه رسیده‌اند که ماده و صیغه امر هر دو حقیقت در وجوبند. (دکتر ابوالحسن محمدی،

مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۵۰)

(آزمون ۱۳۸۲)

۳۴- احکام تطبیقی کدام‌اند:

(الف) احکام الزامی را احکام تکلیفی گویند.

(ب) احکامی هستند که اراده قانون‌گذار را بیان می‌کنند.

(ج) احکامی هستند که مستقیماً به افعال مکلفین، تعلق دارند.

(د) احکامی هستند که عدم رعایت آنها جرم بوده و قابل مجازات می‌باشند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه احکام تکلیفی، احکامی هستند که مستقیماً به افعال مکلفین تعلق دارند.

(آزمون ۱۳۸۳)

۳۵- احکام وضعی احکامی می‌باشند که:

(الف) مستقیماً با افعال مکلفین مربوط هستند. (ب) مستقیماً با افعال مکلفین مربوط نیستند.

(ج) به وسیله قانون‌گذار، تأیید و امضاء شده‌اند. (د) قانونگذار در وضع آنها دخالت داشته است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۵۱ و ۵۲.

(آزمون ۱۳۸۳)

۳۶- الزام و ممنوعیت در قانون، از احکام است.

(الف) امضایی (ب) تأسیسی

(ج) وضعی (د) تکلیفی

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۳)

۳۷- صیغه و ماده امر، به اعتقاد مشهور اصولیین، حقیقت در کدام معنی است؟

- الف) در مطلق طلب
ب) در الزام و وجوب
ج) در رخصت و اذن
د) در قدر مشترک میان سه معنی یادشده
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه ماده و صیغه امر در زبان عرب به معانی متعدد آمده‌اند و در اینکه در کدام یک از آنها حقیقت هستند یا مجاز در اصول مباحثی وسیع به وجود آمده لکن، سرانجام بیشتر اصولیین به این نتیجه رسیده‌اند که ماده و صیغه امر هر دو حقیقت در وجوبند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۵۰)

(آزمون ۱۳۸۴)

۳۸- وجوب تعیینی در مقابل چیست؟

- الف) وجوب عینی
ب) وجوب کفایی
ج) وجوب تخییری
د) وجوب تعبدی
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.
- رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۵۴.

(آزمون ۱۳۸۶)

۳۹- بیع مشروط، چیست؟

- الف) بیعی است که مشروط به تنفیذ و تأیید مالک باشد.
ب) بیعی است که در آن یکی از شروط ضمن عقد (شرط صفت، فعل و نتیجه) آمده باشد.
ج) بیعی است که شروط صحت عقد در آن رعایت شده باشد.
د) بیعی است که انعقاد آن، متوقف بر تحقق امر دیگری است.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۶۰ و ۶۱.

۴۰- سنگی در وسط راه افتاده و مانع عبور مردم است. شخصی آن را برمی‌دارد و راه را باز می‌کند. این شخص یک واجب را به جا آورده است.

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- الف) مجازی
ب) عینی
ج) کفائی
د) استحبابی
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه واجب کفایی در مقابل واجب عینی قرار می‌گیرد و هر دوی اینها ممکن است در عین حال تعبدی یا توصلی باشند.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۶۰.

۴۱- مقدمه‌ای را که به تنهایی برای ایجاد ذی‌المقدمه کافی نیست، اما اگر نباشد آن به وجود نمی‌آید، ... گویند. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- الف) سبب
ب) مقتضی
ج) شرط
د) معد

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه شرط مقدمه‌ای است که وجودش در ایجاد ذی‌المقدمه تأثیر زیادی ندارد. ولی اگر وجود نداشته باشد، حتماً موجب به وجود نیامدن ذی‌المقدمه می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۱۴)

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۴۲- شرط در به معنای الزام و التزام است.

- الف) اصول
ب) ادبیات

ج) فقه

د) لغت

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۲۱۴ و ۲۱۵.

۴۳- ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی می‌گوید: «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جدپدری او است...»

اجازه پدر نسبت به ازدواج دختر باکره مصداق کدام اصطلاح است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) سبب

ب) علت

ج) شرط نفوذ

د) شرط صحت

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

﴿ شرط، مقدمه‌ای است که وجودش در ایجاد ذی‌المقدمه تأثیر زیادی ندارد. ولی اگر وجود نداشته باشد، حتماً موجب بوجود نیامدن ذی-المقدمه می‌شود.

در فرض سؤال اذن ولی شرط نکاح است ولی بدیهی است که این امر ازدواج را به وجود نمی‌آورد.

﴿ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، صفحه ۲۱۶.

۴۴- ماده ۳۷۷ قانون مدنی مقرر داشته: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به

تسلیم شود...» تسلیم هر یک از عوضین چه نوع واجبی است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) واجب مضیق

ب) واجب مشروط

ج) واجب عینی تعبدی

د) واجب عینی توصلی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۴۵- بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون مدنی می‌گوید: «عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید.» این الزام مصداق چه نوع واجبی است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) اصلی

ب) تبعی

ج) تخیری

د) تعبدی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۴۶- برابر مادتين ۶۰۷ و ۶۲ قانون مجازات اسلامی مقاومت در برابر مأمورین دولت حین انجام وظیفه جرم ولی مقاومت در مقابل

تعرضات آنان جایز است. هر یک از این دو قسمت به ترتیب مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) حکم واقعی ثانوی - حکم واقعی اولی

ب) حکم ظاهری - حکم واقعی

ج) حکم واقعی - حکم ظاهری

د) حکم واقعی اولی - حکم واقعی ثانوی

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۴۷- شرط در «اصطلاح علم اصول» عبارت است از:

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) مقدمه‌ای که عدم آن مستلزم عدم ذی‌المقدمه گردیده ولی وجودش ملازم وجود ذی‌المقدمه نیست.

ب) جمله‌ای مرکب از دو جمله و ادات شرط

ج) مقدمه‌ای که وجودش موجب پیدایش ذی‌المقدمه می‌گردد.

د) تعهدات تبعی که در ضمن عقد قرارداد درج می‌گردد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

که شرط در اصطلاح اصولیین عبارت است از قیدی که از عدم آن عدم مشروط لازم آید. بدون اینکه وجودش مستلزم وجود مشروط باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۷۹)

۴۸- اگرچه حاکم شرع، بدو حق اجبار کسی را بر مطلقه نمودن همسرش ندارد اما در صورت بروز عسر و حرج برای زوجه و مراجعه وی به حاکم، دادگاه می تواند مطابق ماده ۱۱۳۰ ق.م. زوج را اجبار به طلاق نماید. عدم جواز بدوی حاکم و جواز مذکور در ماده یادشده به ترتیب مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

- الف) حکم واقعی ثانوی - حکم ظاهری
ب) حکم واقعی اولی - حکم ظاهری
ج) حکم واقعی اولی - حکم واقعی ثانوی
د) حکم واقعی ثانوی - حکم واقعی اولی
- گزینه «ج» صحیح می باشد.

حکم واقعی اولی حکمی است که برای مکلف بدون توجه به حالات مختلف او وضع می شود مانند واجب بودن روزه ماه رمضان و عدم جواز اجبار کسی بر مطلقه نمودن همسرش. و حکم واقعی ثانوی، حکمی است که برای مکلف با توجه به حالات مختلف او وضع می شود و این حکم بر حکم واقعی اولی عارض می گردد و حکم اولیه را از بین می برد مانند مسافر بودن یا مریض بودن که حکم وجوب گرفتن روزه را از مؤمن ساقط می کند و یا عسر و حرج که به حاکم اجازه می دهد همسر مرد را به اجبار مطلقه کند.

مبحث سوم: نواهی

۴۹- نهی از معامله، مستلزم فساد آن است؟

(آزمون ۱۳۸۱)

- الف) نهی از معامله، مستلزم فساد معامله است.
ب) نهی از معامله، مستلزم فساد معامله نیست.
ج) در صورتی که نهی، دال بر تحریم معامله باشد، مستلزم فساد آن است.
د) در صورتی که نهی، مبین شرایط، موانع و یا اجزاء معامله باشد، مستلزم فساد آن است.
- گزینه «د» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۶۵ تا ۶۸.

(آزمون ۱۳۸۲)

۵۰- اثر نهی از یک عمل حقوقی چیست؟

- الف) موجب فساد متعلق آن است.
ب) حرمت و فساد هر دو، از آثار نهی از عمل حقوقی است.
ج) دلالت نهی بر فساد متعلق آن، بستگی به لسان دلیل است.
د) موجب حرمت و ممنوعیت آن عمل حقوقی است و دلالتی بر فساد آن ندارد.

گزینه «ج» صحیح می باشد.

که نمی توان گفت، در همه جا نهی موجب فساد هست و یا در هیچ جا موجب فساد نیست. بلکه، باید در هر مورد با بررسی دقیق قانون یا با توجه به مقررات دیگر ضمانت اجرای مناسبی برای آن پیدا کرد.

(آزمون ۱۳۸۴)

۵۱- وجه اشتراک امر و نهی در چیست؟

- الف) هر دو جمله انشائی هستند نه اخباری.
ب) هیچکدام در مره یا تکرار دلالت ندارند.
ج) هیچکدام بر فوریت یا تراخی دلالت ندارند.
د) هر سه مورد صحیح است.
- گزینه «د» صحیح می باشد.

که امر و نهی در چند چیز با هم مشترکند:

۱- هر دو بر طلب و خواستن دلالت دارند. با این تفاوت که، امر دلالت دارد بر خواستن انجام کاری یا چیزی و نهی دلالت دارد بر ترک آن.

۲- هر دو جمله انشایی هستند نه اخباری.

۳- هیچ یک بر فور یا تراخی دلالت ندارند.

۴- هیچ یک بر مره و تکرار دلالت ندارد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۶۴)

۵۲- آیا نهی شارع موجب فساد معامله است؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) مطلقاً بله

ب) مطلقاً خیر

ج) در معاملات یک جانبه موجب فساد است ولی در معاملات دو جانبه موجب فساد نمی‌شود.

د) ضابطه خاصی وجود ندارد و در هر مورد بایستی به حکم خاص شارع مراجعه شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به پاسخ سؤال ۴۰.

۵۳- برابر ماده ۲۶۷ قانون مدنی «...کسی که دین دیگری را ادا می‌کند اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد الا حق رجوع ندارد» و

برابر ماده ۳۰۶ همان قانون «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد، اداره کند

... اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره

کردن لازم بوده است» در رابطه با این دو حکم، کدام گزینه، نادرست است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) ماده ۳۰۶ ناسخ حکم ماده ۲۶۷ در رابطه با غایب و محجور نمی‌باشد.

ب) ماده ۳۰۶ می‌تواند مخصص قاعده عام مندرج در ماده ۲۶۷ قرار گیرد.

ج) حکم خاص ماده ۲۶۷ منافاتی با حکم عام ماده ۳۰۶ ندارد.

د) به مصداق قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» می‌توان بین حکم دو ماده قائل به جمع شد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۰۰ و ۱۰۶.

مبحث چهارم: مفاهیم

۵۴- آنچه از لفظ و کلام فهمیده می‌شود است. (آزمون ۱۳۸۰)

الف) انشاء ب) خبر

ج) منطوق د) مفهوم

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه منطوق عبارت از معنایی است که مستقیماً از کلام فهمیده می‌شود و موضوع آن در جمله ذکر شده باشد. مفهوم عبارت از معنایی است

که در کلام بیان نشده ولی با توجه به ساختمان ترکیبی آن فهمیده می‌شود و موضوع آن نیز در جمله ذکر نشده باشد. (دکتر ابوالحسن

محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۸۱)

۵۵- عبارت «هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مؤاخذه کرد» عبارت «تفتیش عقاید ممنوع است» می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) منطوق غیر صریح ب) منطوق صریح

ج) مفهوم مخالف د) مفهوم موافق

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۸۶

(آزمون ۱۳۸۱)

۵۶- مفهوم موافق چیست؟

(الف) قضیه‌ای است که موافق با استنباط فقیه باشد.

(ب) قضیه‌ای است که ملاک حکم در آن، مشخص باشد.

(ج) قضیه‌ای که علت حکم در آن، اقوی از منطوق باشد.

(د) قضیه‌ای است که حکم آن، نفیاً و اثباتاً با حکم منطوق، یکی باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلمه مفهوم معنایی است که بیان نشده ولی از ساختمان جمله فهمیده می‌شود. مفهوم بر دو قسم است: مفهوم موافق و مفهوم مخالف. مفهوم موافق قضیه‌ای است که حکم آن نفیاً و اثباتاً موافق حکم منطوق باشد. مفهوم مخالف قضیه‌ای است که حکم نفیاً و اثباتاً مخالف حکم منطوق باشد. مفهوم موافق را لحن خطاب یا فحوای خطاب و مفهوم مخالف را دلیل خطاب هم می‌گویند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۷۷)

(آزمون ۱۳۸۴)

۵۷- کدام گزینه صحیح است؟

(الف) مفهوم وصف حجت است ولی مفهوم شرط حجت نیست.

(ب) مفهوم وصف حجت نیست ولی مفهوم شرط حجت است.

(ج) هر دو مفهوم وصف و شرط حجت هستند.

(د) هیچکدام از مفهوم وصف و شرط حجت نیستند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۸۰ و ۸۴.

(آزمون ۱۳۸۵)

۵۸- مفهوم مخالف چیست؟

(الف) قضیه‌ای است که موضوع آن با موضوع منطوق، مخالف است.

(ب) قضیه‌ای که منطوق آن با منطوق قانون دیگر، مخالف باشد.

(ج) قضیه‌ای است که حکم آن، نفیاً و اثباتاً مخالف حکم منطوق باشد.

(د) قضیه‌ای است که مفهوم آن، نفیاً و اثباتاً مخالف با مفهوم قانون دیگر باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه مفهوم مخالف قضیه‌ای است که حکم آن نفیاً و اثباتاً مخالف منطوق باشد. مثلاً ماده ۶۹۱ قانون مدنی می‌گوید: «ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است.» مفهوم مخالف آن این است که ضمان دینی که سبب آن ایجاد شده، باطل نیست. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۷۹)

www.Magazine.Slime.ir

۵۹- از ماده ۸۸۹ قانون مدنی که مقرر داشته «در بین وراثت طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد اولاد او هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده و با هر یک از ابوبین متوقی که زنده باشد ارث می‌برند...» می‌فهمیم که اگر برای میت اولادی باشد، اولاد اولاد او قائم مقام پدر یا مادر خود نمی‌شوند. این حکم مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

(الف) دلالت اقتضاء (ب) منطوق غیر صریح

(ج) مفهوم مخالف حصر (د) مفهوم مخالف شرط

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۹۰ و ۹۲.

۶۰- قیاسی که علت حکم در فرع قوی‌تر از اصل باشد قیاس... نامیده می‌شود. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) قیاس مشکوک‌العله

ب) قیاس مع‌الفارق

ج) قیاس خفی

د) قیاس اولویت

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

﴿ مقصود از قیاس اولویت قیاسی است که علت حکم در فرع قوی‌تر از اصل باشد. مانند اینکه در قرآن «أف» گفتن به پدر و مادر تحریم شده و آیه به دلالت التزامی دلالت می‌کند بر اینکه علت حرمت آن اذیت و آزار است. این علت در اهانت به آنها به صورت قوی‌تر و بیشتر وجود دارد. پس اهانت به آنها به طریق اولی حرام خواهد بود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۹۸)

۶۱- دلالت اقتضاء و تنبیه و اشاره را گویند. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) مفهوم صریح

ب) منطوق صریح

ج) مفهوم غیرصریح

د) منطوق غیرصریح

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

﴿ منطوق غیرصریح آن است که مدلول از لوازم کلام باشد و برای آن سه قسم بیان کرده‌اند: ۱- دلالت اقتضاء، ۲- دلالت تنبیه و ایما، ۳- دلالت اشاره. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۷۲ و ۷۳)

۶۲- در ماده ۵۶۱ قانون مدنی که می‌گوید: «جعل عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف، معین باشد یا غیر معین» دلالت کلمه «جعل» بر «التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عمل...» مصداق کدام نوع دلالت است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) التزام

ب) تضمین

ج) اقتضاء

د) مطابقه

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۸۲

۶۳- ماده ۱۴۳ قانون مدنی می‌گوید: «هرکس از اراضی موات و مباحه، قسمتی را به قصد تملک احیاء کند، مالک آن قسمت می‌شود.» این ماده متضمن چه دلالتی است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) تضمینی

ب) اشاره

ج) اقتضاء

د) تنبیه و ایما

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

﴿ دلالت تنبیه و ایما عبارت از این است که کلام دارای قیدی است که به نظر می‌رسد آن قید علت حکم است و گرنه نمی‌بایست ذکر شود. با توجه به فرض سؤال این مطلب فهمیده می‌شود که علت تملک، احیاء و عمران است و با از بین رفتن آن، معلول (ملکیت) هم از بین می‌رود.

﴿ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۸۴

۶۴- ماده ۱۴۷ قانون مدنی می‌گوید: «هرکس مال مباحی را با رعایت قوانین مربوط به آن، حیازت کند مالک آن می‌شود.» از این عبارت فهمیده می‌شود که علت مالک شدن، حیازت، مال مباح است. این امر مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مدلول مطابقی

ب) مدلول تضمینی

ج) منطوق صریح

د) دلالت تنبیه و ایما

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۶۵- رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۸۴

..... عبارت از معنایی است که از کلام فهمیده می‌شود و موضوع آن در جمله ذکر شده باشد. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) منطوق، مستقیماً (ب) مفهوم موافق، صریحاً

ج) مفهوم مخالف، صریحاً (د) مفهوم، صریحاً

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلمه منطوق عبارت از معنایی است که مستقیماً از کلام فهمیده می‌شود و موضوع آن در جمله ذکر شده باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۷۱)

۶۶- کدام گزینه نادرست است؟ (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) اگر غایت داخل در مغیا باشد، حکم آن با حکم قضیه موافق است.

ب) اگر غایت داخل در مغیا دانسته نشود، حکم آن مسکوت است.

ج) اگر غایت داخل در مغیا دانسته شود، مدلل منطوقی است.

د) در مفهوم مخالف، حکم مفهوم با حکم منطوق مخالف است.

هیچکدام از گزینه‌ها صحیح نیستند.

۶۷- رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۸۲

۶۷- کدام یک از مواد قانونی زیر «مفهوم» ندارد: (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) ضامنی که به قصد تبرع ضمانت کرده باشد حق رجوع ندارد. (ماده ۷۲۰ قانون مدنی)

ب) وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود. (ماده ۶۹ قانون مدنی)

ج) هر معامله که واقع شود محمول بر صحت است. (ماده ۲۴۴ قانون مدنی)

د) اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است. (ماده ۳۶۱ قانون مدنی)

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۶۸- تفسیر عنوان «وکیل» که در برخی قوانین اخذ شده است به «وکیل واجد شرایط در قوانین و مقررات»: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) تفسیر موسع از لفظی است که باید به قدر متیقن از آن بسنده نمود.

ب) حمل مطلق بر فرد نادر، و مخالف با اصول و موازین تفسیر لفظی است.

ج) مصداق نوعی انصراف کلمه مطلق به فرد متعارف آن و تفسیری صحیح است.

د) تفسیری درست و مبتنی بر حمل عام بر قدر متیقن در مقام مخاطب است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کلمه منظور از انصراف در علم اصول این است که ذهن از معنایی روی برگرداند یا بدان متوجه شود و بر دو قسم است: انصراف بدوی یا ابتدایی و انصراف ناشی از کثرت استعمال. منظور انصراف ابتدایی این است که به واسطه کثرت وجود مصداق چیزی در خارج از ذهن یعنی در اطراف خودمان، لفظ از مصداق نادر به مصداق غالب منصرف شود و چنین انصرافی مانع اطلاق نیست و صحیح می‌باشد؛ مانند کلمه «وکیل» که منصرف به کلیه وکلایی است که واجد شرایط در قوانین و مقررات هستند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۳۳)

۶۹- معنای «العله تعمم و تخصص» آن است که: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) علت، موضوع حکم شارع یا قانونگذاری را به اعتباری توسعه می‌دهد و به اعتباری مضیق می‌کند.

- (ب) علت، موضوع حکم را توسعه می‌دهد، اما متعلق حکم را مضیق می‌سازد.
(ج) ذکر موضوع برای حکم معلل از باب مثال است و ملاک حکم در هر حال، علت است.
(د) موارد الف و ج صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۷۰- جمله شرطیه‌ای که در مقام بیان تحقق موضوع باشد:

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

- (الف) به لحاظ مفهوم داشتن تفاوتی با دیگر جملات شرطیه ندارد.
(ب) فاقد مفهوم است.

(ج) هرگاه موضوع آن تحقق پیدا کند، مانند دیگر جملات شرطیه دارای مفهوم مخالف خواهد بود.

(د) به لحاظ دلالت بر مفهوم، بسته به اینکه تحقق موضوع، بالفعل باشد یا بالقوه متفاوت است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه در اصول مفهوم شرط حجت است اما باید توجه داشت که هرگاه شرط وجود موضوع را تشکیل دهد نمی‌تواند مفهوم داشته باشد، زیرا در این صورت قضیه سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۹۲)

۷۱- مفهوم لقب:

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

(الف) از ضعیف‌ترین مفاهیم و فاقد حجیت است.

(ب) مانند مفهوم شرط و وصف است و قابلیت استناد دارد.

(ج) دقیقاً مانند مفهوم وصف و فاقد حجیت است.

(د) در قوت، مانند مفهوم شرط است و با شرایطی حجت است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلمه لقب مفهوم ندارد و حجت نیست؛ مانند ماده ۳۹۹ ق.م. که مقرر می‌دارد: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد.» در ماده مذکور نمی‌توان استفاده کرد که در معاملات غیر از بیع خیار شرط جریان ندارد چرا که «اثبات شیئی نفی ما عداها نمی‌کند.» (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۹۷)

۷۲- اصل سیزدهم قانون اساسی که می‌گوید: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند...» بیانگر چه نوع مفهومی است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

(الف) غایت (ب) وصف

(ج) شرط (د) حصر

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۹۸ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۸۴.

۷۳- ماده ۲۴ قانون مدنی می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند طرق و شوارع عامه و کوچه‌هایی را که آخر آنها مسدود نیست تملک نماید.» از این ماده دو مطلب فهمیده می‌شود اول قابل تملک نبودن کوچه غیرمسدود، دوم قابل تملک بودن کوچه مسدود. هر یک از این دو

حکم به ترتیب مصداق کدام اصطلاح است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

(الف) مفهوم موافق و مفهوم مخالف (ب) منطوق و مفهوم مخالف

(ج) مفهوم موافق و منطوق (د) منطوق و مفهوم موافق

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

که چرا که، حکم اول در کلام و نطق آمده است و مستقیماً از ماده استفاده می‌شود. ولی حکم دوم در کلام و نطق نیامده، بلکه از ترکیب و ساختمان آن فهمیده می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۷۱)

۷۴- ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حدّ قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. «مصدق چه نوع واجبی است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) تعیننی (ب) تخیری

ج) کفایی (د) عینی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

که واجب معین (واجب تعیننی) آن است که شارع چیز معینی را خواسته باشد و واجب مختیر (واجب تخیری) آن است که شارع چیزی را به طور مبهم از میان چند چیز خواسته باشد به گونه‌ای که هر یک بدل دیگری و به جای دیگری باشد. واجب تخیری بیشتر در کفارات و مجازات دیده می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۶۱)

۷۵- مطابق ماده ۳۱ قانون مدنی «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون» استنباط همین حکم در مورد مصداق «عدم جواز سلب مالکیت بدون حکم قانونی» کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مفهوم حصر (ب) مفهوم مخالف

ج) مفهوم استثنا (د) قیاس اولویت

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۸۷/۳.

۷۶- از ماده ۶۹۱ قانون مدنی که می‌گوید: «ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، باطل است.» می‌فهمیم که ضمان دینی که سبب آن ایجاد شده، باطل نیست. این امر مصداق کدامیک از موارد زیر است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) مفهوم مخالف (ب) مفهوم موافق

ج) قیاس اولویت (د) قیاس مساوات

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

که مفهوم مخالف قضیه‌ای است که حکم آن نفیاً یا اثباتاً مخالف منطوق باشد.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، مبانی اصول استنباط حقوق اسلامی، شماره ۸۹.

۷۷- از حکم ماده ۳۶۰ قانون مدنی که می‌گوید: «هر چیزی که فروش آن مستقلاً جایز است استثنای آن از مبیع نیز جایز است.» برداشت می‌کنیم: «هر چیزی که مستقلاً قابل فروش نیست، استثنای آن از مبیع نیز جایز نیست (از قبیل حق ارتفاق)» این برداشت، مصداق کدام اصطلاح است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

www.Magazine.Shme.ir

الف) مفهوم موافق (ب) مفهوم مخالف

ج) مفهوم شرط (د) هر دو مورد ب و ج

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

که شرط در اصطلاح اصولیین عبارت است از قیدی که از عدم آن عدم مشروط لازم آید بدون اینکه وجودش مستلزم وجود مشروط باشد. مانند قدرت بر تسلیم مبیع که شرط بیع است.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۸۹ و ۹۲.

مبحث پنجم: عام و خاص

۷۸- نسبت میان احکام خاص و مخصص چیست؟

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) عموم و خصوص مطلق

ب) خاص مطلق است و مخصص مقید

ج) هر خاصی مخصص است اما هر مخصصی خاص نیست.

د) حکم خاصی که متصل به عام نباشد مخصص خوانده می شود.

گزینه «الف» صحیح می باشد.

کلیه نسبت میان احکام خاص و مخصص، از نوع رابطه عموم و خصوص مطلق است.

۷۹- دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او. کلمات «به درخواست خود او» مخصص است.

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) عقلی

ب) مجمل

ج) منفصل

د) متصل

گزینه «د» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۰۶ و ۱۰۷

۸۰- با توجه به ماده ۱۰۹ قانون مدنی می گوید: «دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب می -

شود مگر اینکه قرینه یا دلیلی بر خلاف آن موجود باشد» کدام گزینه درست است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مخصص منفصل لیبی است.

ب) مخصص متصل لفظی است.

ج) مخصص منفصل عقلی است.

د) مخصص متصل معنوی است.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۰۰ و ۱۰۶ تا ۱۰۸.

(آزمون ۱۳۸۱)

۸۱- اصل تأخر حادث در چه موردی جاری می شود؟

الف) هرگاه در حدوث امری تردید شود.

ب) هرگاه در تقدم حادثه ای تردید شود.

ج) هرگاه در تأخر حادثه ای تردید شود.

د) هرگاه در تقدم، تأخر و یا تقارن دو حادثه، تردید شود.

گزینه «د» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴.

۸۲- در صورتی که عقد نکاح پس از مقاربت زوجین منحل شده و زن در زمانی ازدواج مجدد کند که طفل متولد از او بتواند به هر

یک از دو شوهر اول و دوم ملحق شود مطابق ماده ۱۱۶۰ قانون مدنی، طفل ملحق به شوهر دوم خواهد بود مگر آنکه امارات قطعیه بر

خلاف آن، دلالت کند. این ماده متضمن کدام یک از موارد زیر است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) تراحم دو اماره فراش

ب) اصل تأخر حادث

ج) اصل عدم

د) هر دو مورد الف و ب

گزینه «د» صحیح می باشد.

که اصل تأخر حادث این است که حدوث و پیدایش دو چیز مسلم باشد ولی تقدم و تأخر آنها مورد شک و تردید قرار گیرد. مثال دیگری که برای این موضوع می‌توان نام برد، ماده ۸۷۴ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد.»

﴿ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، صفحه ۳۳۰.﴾

(آزمون ۱۳۸۲)

۸۳- در دوران امر، بین نسخ و تخصیص، کدام یک مرجح است؟

الف) احتمال نسخ، مرجح است.

ب) احتمال تخصیص رجحان است.

ج) هر دو احتمال، مساوی است.

د) طبق اصل عدم، هر دو احتمال را باید متفی فرض کرد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۱۹.﴾

(آزمون ۱۳۸۲)

۸۴- با وجود مخصص مجمل مفهومی و مصداقی، استناد به عام، چه حکمی دارد؟

الف) استناد به عام به دلیل سرایت اجمال، جایز نیست.

ب) مخصص مجمل، لازم‌الرعايه نبوده و عام، قابل استناد به آن است.

ج) مخصص مجمل در صورت اتصال به عام، مانع استناد به آن است.

د) مخصص مجمل در صورت انفصال، مانع استناد به عام است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

﴿ با وجود مخصص مجمل مفهومی و مصداقی، استناد به عام به دلیل سرایت اجمال، جایز نیست.﴾

(آزمون ۱۳۸۲)

۸۵- نظر پذیرفته شده در حقوق ایران در مورد خاص مقدم و عام مؤخر، چیست؟

الف) توقف و رجوع به مرحجات است.

ب) خاص مقدم، مخصص عام مؤخر است.

ج) عام مؤخر، در هر صورت، ناسخ خاص مقدم است.

د) اعتبار خاص مقدم، قابل احراز نبوده و عام نیز نسبت به مورد تعارض، قابل استناد نخواهد بود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۳)

۸۶- تخصیص عام وسیله مفهوم، ممکن است؟

الف) مفهوم، نمی‌تواند منطوق عامی را تخصیص دهد.

ب) تنها مفهوم اولویت، می‌تواند مخصص عام واقع شود.

ج) مفهوم، در صورت حجیت، می‌تواند مخصص عام واقع شود.

د) مفهوم مخالف، مخصص عام نیست اما مفهوم موافق، می‌تواند مخصص عام واقع شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۱۳ و ۱۱۴.﴾

(آزمون ۱۳۸۳)

۸۷- اجمال مخصص متصل، موجب اجماع در عام می‌شود؟

الف) تنها در عام بدلی، موجب اجمال عام می‌شود.

ب) تنها در عام استغراقی، موجب اجمال عام می‌شود.

ج) موجب اجمال عام می‌شود.

د) موجب اجمال عام نمی‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۵)

۸۸- مفهوم می‌تواند مخصص قانون عامی گردد؟

الف) مفهوم به دلیل ضعف دلالت، نمی‌تواند عام را تخصیص دهد.

ب) تخصیص عام، به وسیله مفهوم موافق ممکن است اما مفهوم مخالف نمی‌تواند مخصص عام شود.

ج) تخصیص عام، تنها به وسیله مفهوم اولویت، امکان دارد.

د) هر یک از انواع مفاهیم که حجت شناخته شده باشد، می‌تواند مخصص عام گردد.

استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۱۳ و ۱۱۵)

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلمه به طور کلی، هر مفهومی (اعم از مفهوم موافق و مفهوم مخالف) بتواند مخصص عام واقع شود، منوط به این است که، حجت شناخته شده و معتبر باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی

۸۹- حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» از نظر عموم و اطلاق، چه نوعی است؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) اطلاق دارد.

ب) اطلاق آن مقید شده است.

ج) عام مجموعی است.

د) عموم استغراقی دارد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلمه عام افرادی و یا استغراقی آن است که حکمی که به آن تعلق گرفته به هر یک از افرادش مستقلاً تعلق گیرد و در حقیقت به شمار افراد آن، حکم وجود دارد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۹۲)

(آزمون ۱۳۸۵)

۹۰- اجمال مخصص در چه مواردی موجب اجمال عام نمی‌گردد؟

در صورتی که مخصص

الف) منفصل و اجمال آن مفهومی و در ارتباط با اقل و اکثر باشد.

ب) منفصل و اجمال آن در مفهوم یا مصداق باشد.

ج) متصل و اجمال آن در مصداق باشد.

د) متصل و اجمال آن در مفهوم باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلمه تنها در یک مورد، اجمال مخصص به عام سرایت نمی‌کند، و آن را از حجیت نمی‌اندازد. در صورتی که، اجمال مخصص منفصل بوده و اجمال آن از نوع مفهومی بوده و از نوع تردید میان اقل و اکثر باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱)

www.Magazine.Snime.ir

۹۱- در صورتی که تقدم و تأخر وقوع دو معامله متعارض، نامعلوم ولی تاریخ وقوع یکی از آن دو معلوم باشد، تکلیف چیست؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) هر دو معامله از درجه اعتبار ساقطند.

ب) معامله‌ای که تاریخ وقوعش معلوم است، باطل شناخته می‌شود.

ج) معامله‌ای که تاریخ وقوعش نامعلوم است، صحیح است.

د) معامله‌ای که تاریخ وقوعش معلوم است، صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلیه معاملاتی که تاریخ وقوعش معلوم است، مقدم فرض می‌شود. نتیجه این خواهد شد که این معامله، صحیح فرض شده و معامله مجهول‌التاریخ باطل خواهد بود. این از مصادیق اصل تأخر حادث می‌باشد که به نوعی در مادتين ۸۷۳ و ۸۷۴ قانون مدنی نیز پیش‌بینی شده است.

(آزمون ۱۳۸۶)

۹۲- اگر مخصص، مفهوماً و مصداقاً مجمل باشد، آیا موجب اجمال عام نیز می‌گردد؟

- الف) این‌گونه مخصص، در صورتی که متصل به عام باشد، موجب اجمال آن می‌شود.
ب) این‌گونه مخصص، به دلیل اجمال و ابهام، از قابلیت استناد، خارج بوده و عام را مجمل نمی‌کند.
ج) این‌گونه مخصص، عام را نیز از هر جهت مجمل و از قابلیت استناد می‌اندازد.
د) این‌گونه مخصص، تنها نسبت به قدر متیقن از آن، موجب اجمال عام می‌گردد.
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۰۰.

۹۳- مطابق قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، ایرانیان غیرشیعه‌ای که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده در احوال شخصیه تابع مقررات مذهب خود می‌باشند. ماده ۵ قانون مدنی نیز مقرر داشته: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». اگر دادرس در اینکه مسائل جهیزیه، جزء احوال شخصیه است یا نه شک کند، در رسیدگی به دعوای جهیزیه زن غیر شیعه ایرانی ساکن کشور چه مقرراتی را باید اعمال کند؟ (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) چون قدر متیقن این است که زوجه از اقلیت‌های مذهبی است پس دادرس باید مطابق مقررات مذهب زوجه به دعوایش رسیدگی کند.
ب) دادرس باید جهیزیه را خارج از قدر متیقن «احوال شخصیه» قرار داده و به دستور ماده ۵ قانون مدنی، قوانین ایران را درباره او نیز اجراء کند.
ج) چون قدر متیقن این است که زوجه از اقلیت‌های مذهبی است و از طرفی در قانون به صراحت جهیزیه از مصادیق احوال شخصیه اعلام نشده پس دادرس هم مجاز به اعمال قوانین ایران است و هم مقررات مذهب زوجه
د) چون در رابطه با اقلیت‌های مذهبی، اصل، لزوم رعایت مقررات مذهب آنان است از آنجا که قانونی به صراحت احکام راجع به جهیزیه را از این قاعده مستثنی نکرده، دادرس باید مقررات مذهبی آنان را در خصوص جهیزیه اعمال کند.
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۱۰ و ۱۱۱.

۹۴- اگر از متوفا، دو وصیت نامه متعارض، ابراز گردد که یکی دارای تاریخ و دیگری مجهول‌التاریخ باشد، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۶)

- الف) طبق اصل تأخر حادث، باید وصیت‌نامه بدون تاریخ را حاوی آخرین اراده موصی دانسته و به آن عمل کرد.
ب) وصیت نامه بدون تاریخ، ناقص بوده و نمی‌توان آن را آخرین اراده موصی شناخت.
ج) از نظر شرعی، نداشتن تاریخ، وصیت نامه را از اعتبار نمی‌اندازد و باید به هر دو وصیت عمل کرد.
د) تنها موادی از دو وصیت‌نامه که مشترک است، لازم‌الاجراء می‌باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلیه ذکر این نکته لازم است که مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ قانون مدنی به این موضوع اشاره دارند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴)

(آزمون ۱۳۸۶)

۹۵- آیا مفهوم، می‌تواند مخصص عام گردد؟

- الف) مفهوم موافق، می‌تواند عام را تخصیص دهد اما مفهوم مخالف از جهت ضعف دلالت، مخصص عام نیست.

ب) هیچ یک از انواع مفاهیم، چه موافق و چه مخالف، نمی‌تواند با منطق عام، معارضه کند.

ج) از میان مفاهیم مختلف، تنها «مفهوم موافق اولویت»، توان تخصیص عام را دارد.

د) هر یک از انواع مفهوم که حجت شناخته شده باشد، می‌تواند مخصص عام واقع شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۱۳ و ۱۱۴.

۹۶- آیا فرا رسیدن زمان عمل به قانون مقدم، شرط امکان نسخ و یا شرط امکان تخصیص آن قانون است؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) فرا رسیدن زمان عمل به قانون مقدم، شرط امکان تخصیص آن قانون وسیله قانون مؤخر است.

ب) تنها امکان نسخ قانون مقدم، مشروط به فرا رسیدن زمان عمل به قانون مقدم است.

ج) امکان نسخ و تخصیص قانون مقدم، هر دو مشروط به فرا رسیدن زمان عمل به قانون مقدم است.

د) امکان نسخ و تخصیص قانون مقدم، هیچ یک مشروط به فرا رسیدن زمان عمل به قانون مقدم نیست.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۹۷- اجمال در مفهوم مخصص، در چه مواردی، موجب اجمال در عام نمی‌شود؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) در صورتی که مخصص، منفصل از عام و دوران امر بین اقل و اکثر باشد.

ب) در صورتی که مخصص، مقدم یا هم زمان عام به تصویب رسیده باشد.

ج) در صورتی که مخصص، متأخر از عام، تصویب شده باشد.

د) در صورتی که مخصص، متصل به عام باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✎ اجمال مخصص از جهت مفهوم و منفصل که تردید میان اقل و اکثر باشد، اجمال مخصص به عام سرایت نمی‌کند. و تنها در همین یک

مورد اجمال مخصص به عام سرایت نمی‌کند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۰۰)

۹۸- هرگاه عامی، دچار تخصیص شود، در فرض شک در تخصیص بیشتر: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) عموم عام همچنان حجت و قابل استناد است.

ب) حجیت عموم، در این فرض به قوت دلالت خاص بستگی دارد.

ج) حکم عموم مجموعی با عموم استغراقی از این نظر با یکدیگر متفاوت است.

د) چون عموم عام مخصص، از بین رفته است، تمسک به عام، وجهی ندارد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۱۴ و ۱۱۵.

۹۹- در تعارض میان «عام» با «مطلق»: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) عام قرینه‌ای است برای مطلق و مفسر آن.

ب) دلالت هر دو دلیل، حجت و معتبر است، اما تعارض، سبب تساقط آنها می‌شود.

ج) بسته به قراین و اوضاع و احوال، دلالت هر کدام که اقوی باشد بر دیگری مقدم است.

د) دلالت مطلق چون از باب مقدمات حکمت و عقل است، بر دلالت عام که صرفاً لفظی است، مقدم است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

که ظهور عام در عموم به عقیده بیشتر اصولیین ناشی از دلالت وضعی لفظی است در حالی که دلالت مطلق بر اطلاق به واسطه مقدمات حکمت است و وضعی نیست. همچنین عام پس از تخصیص از عموم می‌افتد در حالی که مطلق می‌تواند از جهتی مقید شود و از جهات دیگر بر اطلاق خود باقی بماند، لذا بر عموم مقدم است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۳۱)

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۱۰۰- تمسک به عام در شبهه مصداقیه عام:

الف) در حکم تمسک به عام در فرض شک در تخصیص اکثر است.

ب) مانند تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص است.

ج) مصداق استناد به دلیل و اخذ به عموم است و نه تنها صحیح، که الزامی است.

د) مصداق تمسک به دلیل در فرض شک در حجیت است و صحیح نمی‌باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

که در خصوص اجمال مخصص جز در مورد اجمال مخصص منفصل از جهت مفهوم در صورت تردید میان اقل و اکثر در سایر موارد اجمال مخصص به عام سرایت می‌کند. و در مورد تمسک به عموم عام نیز چنانچه در مصداق عام تردید وجود داشته باشد در این صورت نیز تمسک به عموم عام جایز نیست مانند جمله «تمام دانشمندان را احترام بگذارید.» حال اگر در مورد مصداقی تردید وجود داشته باشد که دانشمند است یا نه چون جمله عام افرادی را شامل می‌گردد که مسلماً دانشمند هستند نمی‌توان به عموم عام تمسک جست. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۱۲/۱)

۱۰۱- برابر ماده ۲۷۷ قانون مدنی: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط بدهد.» عبارت «ولی حاکم می‌تواند...» چه عنوانی دارد؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) مخصص منفصل لفظی

ب) مخصص متصل استثنایی

ج) مخصص منفصل شرطی

د) مخصص متصل شرطی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۹۵.

۱۰۲- ماده ۸۷۴ قانون مدنی گوید: «اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تاخر مجهول باشد، فقط آنکه فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد.» حکم این ماده مبتنی بر چیست؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) قاعده یقین با شک ساری

ب) اصل استصحاب

ج) اصل عدم قرینه

د) اصل تأخر حادث

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴.

۱۰۳- ماده ۱۸ قانون تخلفات اداری که می‌گوید: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات، شرکت‌های دولتی و مشمول این قانون هستند.» واجد چه نوع عامی است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) بدلی

ب) مجموعی

ج) استغراقی

د) موارد ب و ج

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

که عام افرادی و یا استغراقی آن است که، حکمی که به آن تعلق گرفته به هر یک از افرادش مستقلاً تعلق گیرد و در حقیقت به شمار افراد آن، حکم وجود دارد.

۱۰۴- ماده ۹۶۱ قانون مدنی که بعضی از مواردی را که اتباع خارجه از حقوق مدنی متمتع نیستند بیان نموده، نسبت به ماده ۹۵۸ آن قانون که می‌گوید: «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود...» مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) ناسخ (ب) مقید

ج) مخصص منفصل (د) مخصص متصل

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۱۰۵- حکم ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی که مصادیق آرای قابل تجدیدنظرخواهی را مشخص کرده است، چه حکمی است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) تخصیص اکثر است. (ب) مخصص منفصل عقلی است.

ج) مخصص منفصل لفظی است. (د) مخصص متصل صفتی است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۱۰۶- ماده ۱۰۴۳ ق.م. که می‌گوید: «نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است...» مصداق کدام مورد است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) عام افرادی (ب) عام استغراقی

ج) عام بدلی (د) عام مجموعی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کدام هرگاه حکمی به موضوع عامی تعلق گیرد ولی به نحوی باشد که منظور یک فرد غیرمعین از همه افراد عام باشد نه همه و نه مجموع آنها، این را عام بدلی گویند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۰۳)

۱۰۷- عام در ماده ۱۰۷۱ ق.م.: «هر یک از زن و مرد می‌تواند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.»، عام است. (آزمون ۱۳۸۹)

الف) مجموعی (ب) بدلی

ج) استغراقی (د) بدلی و افرادی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کدام عام افرادی یا استغراقی آن است که حکمی که به آن تعلق گرفته به هر یک از افرادش مستقلاً تعلق گیرد و در حقیقت به شمار افراد آن، حکم وجود دارد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۰۳)

۱۰۸- ماده ۳ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد». این ماده، مصداق کدام یک از موارد زیر است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) عام بدلی (ب) عام مجموعی

ج) عام افرادی (د) مخصص منفصل

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کدام عام افرادی یا استغراقی آن است که حکمی که به آن تعلق گرفته به هر یک از افرادش مستقلاً تعلق گیرد و در حقیقت به شمار افراد آن، حکم وجود دارد. مثال دیگر برای عام افرادی، ماده ۵ قانون مدنی است.

✍ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۱۰۳.

مبحث ششم: مطلق و مقید، مجمل و مبین

(آزمون ۱۳۸۰)

۱۰۹- استعمال لفظ «بیع» به معنای «بیع صحیح» از باب حمل:

الف) عام است بر خاص

ب) خاص است بر عام

ج) مطلق است بر مقید

د) مقید است بر مطلق

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کله هرگاه بین مطلق و مقید تعارض وجود داشته باشد به نحوی که نتوان هر دو را به طور کامل به کار بست باید مطلق را بر مقید حمل کرد و بدین ترتیب بین دو دلیل جمع نمود.

۱۱۰- برابر ماده ۳۰ قانون مدنی: «هر مالکی نسبت به مایملک خود، حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون

استثناء کرده باشد.» واژه «قانون» در این ماده، مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مطلق

ب) مخصص (به فتح صاد)

ج) عام

د) مقید (به فتح یاء)

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۲۶ و ۱۲۷.

۱۱۱- ماده ۴۴۵ قانون مدنی می‌گوید: «هر یک از خيارات بعد از فوت منتقل به وراث می‌شود.» عیوب زن و مرد در عقد نکاح نیز

موجد خيار فسخ است. ماده مذکور، مطلق است یا مقید؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) چون قدر متیقن در مقام تخاطب وجود دارد، مطلق است.

ب) چون انصراف لفظ «خيارات» به خيارات موجود در معاملات، انصراف بدوی است چنین انصرافی مانع اطلاق لفظ نمی‌شود. (مطلق است)

ج) چون انصراف لفظ «خيارات» به خيارات موجود در معاملات به دلیل کثرت وجود مصداق در خارج می‌باشد این انصراف مانع اطلاق لفظ می‌شود. (مطلق نیست)

د) چون انصراف لفظ «خيارات» به خيارات موجود در معاملات، ناشی از کثرت استعمال لفظ در بعضی از مصداق آن است، مانع اطلاق لفظ می‌شود. (مطلق نیست)

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کله مقید آن است که از از مطلق بیرون آورده شده باشد و می‌توان گفت هر کلمه مطلق را که با افزوده شدن قیدی بر آن دایره شمولش محدود شود و افراد کمتری را فراگیرد مقید گویند.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۱۲۶.

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۱۲- جمله «الاصل دلیل حیث لادلیل» کدام یک از انواع عموم یا اطلاق است؟

الف) عام استغراقی است.

ب) عام بدلی است.

ج) عام مجموعی است.

د) مطلق است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

www.Magazine.Shme.ir

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۱۳- تفاوت دلالت عام بر عموم و مطلق بر اطلاق در چیست؟

الف) تفاوتی در دلالت ندارند.

ب) دلالت هر دو، متکی به اصالةالظهور است.

ج) دلالت عام، مطابقی و دلالت مطلق التزامی است.

د) دلالت عام بر عموم، وضعی و دلالت مطلق بر اطلاق، براساس مقدمات حکمت است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

که ظهور عام در عموم به عقیده بیشتر اصولیین ناشی از دلالت وضعی لفظی است. در حالی که، دلالت مطلق بر اطلاق به واسطه مقدمات حکمی است و وضعی نیست. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۲۹)

۱۱۴- کدام یک از موارد ذیل از مقدمات حکمت محسوب نمی‌شود؟ (آزمون ۱۳۸۴)

- الف) انصراف بدوی
ب) نبودن قرینه تقیید
ج) امکان اطلاق و تقیید
د) نبودن قدر متیقن در مقام مخاطب
- گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۳۱.

۱۱۵- اطلاق لفظ منصرف است به فرد (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- الف) کامل
ب) نادر
ج) اکمل و اجلی
د) غایب
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۱۱۶- عبارت «غیرمسلم» برای وصی در ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی که می‌گوید: «ولی مسلم نمی‌تواند برای امور مولی‌علیه خود وصی

غیرمسلم معین کند.» مصداق کدام اصطلاح است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

- الف) مقید
ب) مخصص
ج) خاص
د) ناسخ
- گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۱۱۷- عبارت «دائم» برای «نکاح» در ماده ۱۰۹۶ ق.م که می‌گوید: «.... در نکاح دائم، شرط خیار نسبت به صداق، جایز است....»

مصداق کدام اصطلاح می‌باشد؟ (آزمون ۱۳۸۹)

- الف) مطلق
ب) مقید (به فتح یاء)
ج) مقید (به کسر یاء)
د) خاص
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

که «المقید ما أخرج من شیاع» یعنی مقید آن است که از مطلق بیرون آورده شده باشد و می‌توان گفت هر کلمه مطلق را که با افزوده شدن قیدی بر آن دایره شمولش محدود شود و افراد کمتری را فرا گیرد مقید گویند، مانند آب جاری، بیع نقدی و نکاح دائم. در مثال‌های مطروحه، آب، بیع و نکاح مطلق هستند که با عبارات جاری، نقدی و دائم مقید شده و دایره شمول آنها محدود شده است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۶)

۱۱۸- برابر ماده ۶۵۰ ق.م: «مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگرچه قیمتاً ترقی یا تنزل کرده باشد....» ردّ مثل مال

مقروضه، چه نوع واجبی است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

- الف) مشروط
ب) مطلق
ج) کفایی
د) تبعی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

که واجب مشروط آن است که وجوبش متوقف بر چیزی باشد، ولی واجب مطلق متوقف به هیچ شرطی نیست. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۲۴)

۱۱۹- ماده ۷۷۸ ق.م. که مقرر داشته: «اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است.» مصداق کدام مورد

است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) مجمل

ب) مبین (به فتح یاء)

ج) محکم

د) مبین (به کسر یاء)

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلمه مجمل یا مبهم کلمه یا کلامی است که معنای آن معلوم نبوده بلکه مردّد میان دو یا چند احتمال باشد و ندانیم که گوینده کدام یک را خواسته مانند ماده ۷۷۸ ق.م. زیرا نمی‌دانیم که آیا عقد و شرط هر دو باطل است یا فقط شرط باطل است.

۱۲۰- ماده ۶۲ قانون مدنی که مقرر داشته: «اگر موقوف علیهم، غیر محصور یا وقف بر مصالح عامّه باشد متولی وقف والا حاکم، قبض می‌کند» و در آن معلوم نشده منظور از حاکم چه کسی است، مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مجمل

ب) مبین

ج) ظاهر

د) مأول

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۳۸.

۱۲۱- ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هرکس به قهر و غلبه داخل ملک شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد ... به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود...» عبارات بعد از «اعم از آنکه» مصداق کدام یک از موارد زیر است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) مخصّص

ب) قرینه لفظیه

ج) قرینه متصله

د) مبین (به فتح یاء)

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلمه هر کلمه یا کلامی که مجمل نباشد و یا مجمل بوده و با بیان و توضیح کامل از آن رفع اجمال شده باشد، مبین نامیده می‌شود.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، صفحه ۱۳۸.

۱۲۲- ماده ۷۹۵ ق.م. می‌گوید: «هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می‌کند...» در میان احتمالات راجع به معنای این عبارت، معنایی که زودتر به ذهن می‌آید این است که تعریف ناظر به تملیک رایگان عین، دین و منفعت است و شامل انتقال رایگان حقوق (مثل حق انتفاع و ارتفاق و رهن و تحجیر) که مرتبه‌ای ضعیف‌تر از مالکیت می‌باشد نمی‌شود. دلالت ماده بر این معنا مصداق کدام مورد است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) نص

ب) ظاهر

ج) مأول

د) متشابه

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه ظاهر، کلمه‌ای یا کلامی است که معنای آن معلوم باشد و احتمال معنای دیگر هم داشته باشد، ولی آن احتمال ضعیف و مرجوح باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۳۵)

۱۲۳- عبارت ماده ۸۶۱ قانون مدنی که می‌گوید: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب» مصداق کدام اصطلاح است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) نص

ب) محکم

ج) متشابه

د) هر دو مورد الف و ب

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلمه نص، کلمه یا کلامی است که معنای آن معلوم باشد و احتمال معنای دیگر نداشته باشد.

محکم، نص و ظاهر را محکم گویند و در تعریف آن می‌توان گفت محکم کلمه یا کلامی است که معنای آن معلوم باشد و احتمال معنای دیگر نداشته باشد و یا آن احتمال ضعیف و مرجوح باشد.

✍ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۱۳۵.

مبحث هفتم: قرآن

۱۲۴- مقصود از «ظن» حالت نفسانی انسان است: (آزمون ۱۳۸۰)

- (الف) بین جهل و شک
(ب) بین شک و قطع
(ج) در حال حیرت
(د) دچار کثرت شک
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه منظور از «ظن» عبارت است از حالت نفسانی انسان بین شک و قطع.

۱۲۵- ادله استنباط احکام در فقه شیعه عبارت است از: (آزمون ۱۳۸۴)

- (الف) قرآن - سنت - عرف - عقل
(ب) قرآن - سنت - اجماع - قیاس
(ج) قرآن - سنت - اجماع - عقل
(د) قرآن - سنت - قانون - رویه قضایی
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۴۳.

۱۲۶- کدام یک از عبارات ذیل صحیح است؟ (آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

- (الف) قرآن قطعی الصدور و قطعی الدلالت است.
(ب) قرآن قطعی الصدور و ظنی الدلالت است.
(ج) قرآن ظنی الصدور و قطعی الدلالت است.
(د) قرآن ظنی الصدور و ظنی الدلالت است.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلمه قرآن قطعی الصدور است و آیان قرآنی به مرحله تواتر لفظی رسیده‌اند. اما، با اینکه قطعی است قرآن کلام خداست و مسلم است که تمام آیات و کلمات آن گفته پیغمبر خداست، با این همه دلالت تمام آیات قرآن قطعی نیست، بلکه دلالت بعضی از آنها قطعی و دلالت بعضی دیگر ظنی است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۵۴ و ۱۵۶)

۱۲۷- از نظر اصولی مهم‌ترین دلیل استنباط است. (آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

- (الف) اجماع
(ب) سنت
(ج) عقل
(د) قرآن

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

www.Magazine.Shme.ir

کلمه قرآن که در اصول بیشتر به «کتاب» از آن تعبیر می‌شود، مهم‌ترین دلیل اثبات احکام است.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۴۳.

مبحث هشتم: سنت، اجماع و قیاس

۱۲۸- ماده ۲۱۸ قانون مدنی^۲ می‌گوید: «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده آن معامله باطل است.» به استناد کدام یک از امور ذیل ایقاع با قصد فرار از دین را هم می‌توان باطل دانست؟ (آزمون ۱۳۸۰)

الف) قاعده غلبه (ب) قاعده وارد مورد اغلب

ج) قیاس منصوص‌العلّه (د) قیاس مستنبط‌العلّه

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کجه قیاس منصوص‌العلّه آن است که علت حکم از زبان شارع فهمیده شود، خواه صریح باشد یا به دلالت التزامی. در مقابل، قیاس مستنبط‌العلّه آن است که علت را از کلام شارع و قانون‌گذار نتوان فهمید بلکه عقل آن را درک و استنباط می‌کند. قیاس مستنبط‌العلّه به تنقیح مناط نیز مشهور است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۸۷/۱ و ۱۸۷/۲)

۱۲۹- مشترک لفظی چیست؟ (آزمون ۱۳۸۱)

الف) لفظی است که بر مصادیق متعددی دلالت کند.

ب) لفظی است که دارای معانی حقیقی و مجازی باشد.

ج) لفظی است که در معنی، مترادف با لفظ دیگری باشد.

د) لفظی است که برای بیش از یک معنی، وضع شده باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۴۸.

۱۳۰- قیاس مستنبط‌العلّه چیست؟ (آزمون ۱۳۸۱)

الف) هرگاه ملاک حکم در مقیاس‌علیه در قانون، معین شده باشد.

ب) تسری حکم مقیاس‌علیه بر مقیاس، به دلیل وجود وجه مشترک میان آن دو

ج) هرگاه از ملاک حکم در مقیاس‌علیه، امکان قیاس، قابل استنباط باشد.

د) هرگاه ملاک حکم مقیاس‌علیه، از قانون، ظناً استنباط و براساس آن حکم به مقیاس، تسری داده شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۹۵ تا ۱۹۷.

۱۳۱- در مسأله قیاس، موارد اختلاف حقوقیین امامیه با فقهاء اهل تسنن، چیست؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) قیاس اولویت (ب) قیاس مساوات

ج) قیاس منصوص‌العلّه (د) قیاس مستنبط‌العلّه

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کجه قیاس مستنبط‌العلّه آن است که علت را از کلام شارع و قانون‌گذار نتوان فهمید بلکه عقل آن را درک و استنباط می‌کند. آنچه بین شیعه و سنی مورد اختلاف است این نوع قیاس است. سنّیان چنین قیاسی را حجت می‌دانند. در حالی که، شیعیان آن را حجت ندانسته عمل به آن را حرام می‌دانند و این مسأله از نظر شیعه ضروری و بدیهی است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۹۷)

۱۳۲- طبق ماده ۱۹۵ قانون مدنی: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است» اگر با عنایت بدین ماده، درباره معامله مکروه؛ وقتی که به سرحد فقدان قصد برسد، حکم به بطلان دهیم، این حکم مصداق چیست؟ (آزمون ۱۳۹۰)

۲. در متن اصلی، اشتباهاً ماده ۲۰۸ ذکر شده است.

- الف) قیاس خفی
ج) قیاس مستنبط العله
ب) قیاس اولویت
د) قیاس منصوص العله
- گزینه «د» صحیح می باشد.

کلیه قیاس منصوص العله آن است که علت حکم از زبان شارع فهمیده شود. در حقوق موضوعه می توان ماده ۱۹۵ قانون مدنی را مثالی برای تصریح به علت دانست و با آن قیاسی تشکیل داد. قیاس منصوص العله ای که در مورد این ماده می توان تشکیل داد چنین است: معامله مکره اگر به سر حد فقدان قصد برسد باطل است، به قیاس معامله مست و بیهوش و شخص خواب رفته و به استناد ماده ۱۹۵ قانون مدنی که علت بطلان معامله این عده را فقدان قصد دانسته است.

رجوع کنید به کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، جلد اول، شماره ۲۸۶.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۱۸۷/۱.

۱۳۳- اقسام خبر واحد عبارت است از:

- الف) متواتر - موثق - قوی - ضعیف
ب) متواتر - حسن - موثق - ضعیف
ج) متواتر - حسن - قوی - موثق
د) صحیح - حسن - موثق - ضعیف
- گزینه «د» صحیح می باشد.

کلیه بر حسب شرایطی که برای راوی مطرح است، خبر واحد چهار گونه است: صحیح، حسن، موثق یا قوی و ضعیف. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۷۳)

۱۳۴- برابر ماده ۶۶ ق.آ.د.م: «در صورتیکه دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده، پرونده را به دفتر اعاده می دهد. موارد نقص طی اخطاریه به خواهان ابلاغ می شود.» این عبارت مصداق کدام گزینه هستند؟

(آزمون ۱۳۹۲)

الف) امر با ماده و مفید معنای وجوبند.

ب) خبر در مقام انشاء بوده و دلالت بر وجوب می کنند.

ج) جملات انشائی و نص در جواز هستند.

د) خبر و معنای امر از آنها فهمیده نمی شود.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۵۶.

۱۳۵- انواع اجماع عبارتند از:

الف) متواتر و واحد
ب) قطعی و غیر قطعی

ج) منقول و محصل
د) هیچکدام

گزینه «ج» صحیح می باشد.

کلیه طریقه پی بردن به وجود اجماع دو گونه است: تحصیل اجماع و نقل اجماع. طریقه تحصیل اجماع و اجماع تحصیل شده را (اجماع محصل) خوانند. طریقه نقل اجماع را که شایع تر و آسان تر است، (اجماع منقول) گویند. که اجماع منقول خود بر دو قسم است: متواتر و واحد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۸۵)

۱۳۶- وحدت ملاک معادل کدام یک از اصطلاحات ذیل است؟

الف) تحقیق مناط
ب) تخریج مناط

ج) تنقیح مناط
د) قیاس مع الفارق

(آزمون ۱۳۸۴)

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۰۳.

(آزمون ۱۳۸۴)

۱۳۷- در نظام حقوقی ایران کدام گزینه صحیح است؟

(الف) هیچ‌گونه قیاسی حجیت ندارد.

(ب) فقط قیاس مستنبط العله حجیت دارد.

(ج) فقط قیاس منصوص العله حجیت دارد.

(د) قیاس اعم از منصوص العله و مستنبط العله حجیت دارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

✍ با توجه به اینکه، حقوق ایران در جمهوری اسلامی ایران مبتنی است بر حقوق شیعه و در مذهب شیعه امامیه قیاس مستنبط العله حجت نیست، به این نتیجه می‌رسیم که در حقوق کنونی ایران قیاس مستنبط العله را نمی‌توان به کار بست ولی اقسام دیگر آن را می‌توان به کار برد.

(دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۰۴)

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۳۸- قیاس در اصطلاح اصول و فقه چیست؟

(الف) اثبات حکم شرعی یا قانونی موضوعی برای موضوع مشابه دیگر است.

(ب) مقایسه حکم قانونی یا شرعی موضوعی با حکم شرعی و یا قانونی دیگر است.

(ج) مقایسه مصالح و مفاسد موجود در احکام مختلف قانونی یا یکدیگر است.

(د) مقایسه عناصر و اجزاء موضوعات احکام با یکدیگر است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۹۱.

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۳۹- قیاس منصوص العله چیست؟

(الف) تسری حکم مقیس علیه بر مقیس به دلیل وجود علت منصوص حکم مقیس علیه در مقیس.

(ب) مقایسه حکم مقیس و مقیس علیه، برای کشف علت حکم قانون.

(ج) مقایسه حکم مقیس و مقیس علیه، به دلیل اشتراک آن دو در علت حکم.

(د) مقایسه حکم مقیس و مقیس علیه با لحاظ نصی که در آن مورد، وارد شده است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

✍ قیاس منصوص العله آن است که علت حکم از زیان شارع فهمیده شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۹۵)

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۱۴۰- استخراج علت احکام و تعمیم دادن آن را گویند.

(الف) استقراء (ب) تنقیح مناط

(ج) قیاس اولویت (د) تقلید

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۰۰.

۱۴۱- اگر قانون‌گذار عنوان «ازدواج فرزند اناث» را سبب محرومیت پدر کارمند وی از دریافت کمک هزینه اولاد نموده باشد، قول به

اینکه: «اگر فرزند اناث کسی ازدواج کند ولی نفقه وی توسط شوهر او پرداخت نشود، سبب محرومیت پدر از آن مزایا نمی‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) مبتنی است بر تنقیح مناط قطعی و پذیرفتنی است.

ب) برخلاف اطلاق ماده و کاملاً مخالف یا موازین اصولی است.

ج) مبتنی بر تنقیح مناط قطعی است، ولی برخلاف نص است و صحیح نمی‌باشد.

د) می‌تواند صحیح باشد و مبتنی است بر اینکه ازدواج عنوان مشیر است به خروج فرزند از تحت نفقه پدر.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلیه تنقیح مناط این است که، قطعاً بدانیم علت حکم، وصفی است معین و سایر اوصاف در آن دخالت ندارند. بنابراین تنقیح مناط به معنای «تعیین علت» است و در صورتی که قطعی باشد حجت است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۸۹)

۱۴۲- طبق ماده ۸۶۱ ق.م. که می‌گوید: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب» و ماده ۹۴۰ ق.م. که می‌گوید: «زوجین که زوجیت آنها دایمی بوده و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می‌برند.» نکاح موجب ارث است. از این دو ماده استنباط می‌شود که نکاح نسبت به ارث، چه نوع مقدمه‌ای است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) سبب

ب) شرطی

ج) نفوذ

د) وجود

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلیه شرط مقدمه‌ای است که وجودش در ایجاد ذی‌المقدمه تأثیر زیادی ندارد ولی اگر وجود نداشته باشد حتماً موجب نیامدن ذی‌المقدمه می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۰۲)

۱۴۳- برابر ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، داشتن گواهی عدم امکان سازش، لازمه اجرای صیغه طلاق است. گواهی مزبور مصداق کدام مقدمه است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) مقدمه عقلی

ب) مقدمه قانونی

ج) مقدمه مقارن

د) هر دو مورد ب و ج

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلیه در وضع حقوقی فعلی که قوانین موضوعه بر روابط مردم حاکم است می‌توان مقدمه قانونی را اصطلاحی برابر اصطلاح مقدمه شرعی دانست. چون در فرض سؤال قانونگذار گواهی عدم امکان سازش را مقدمه طلاق قرار داده است، پس گواهی عدم امکان سازش مقدمه قانونی برای طلاق است.

۹۵ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۲۰۲.

۱۴۴- اصل ۲۵ قانون اساسی که مقرر داشته: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» بیانگر چه نوع مفهومی است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) حصر

ب) قیاس مساوات

ج) شرط

د) قیاس اولویت

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کلیه قیاس مساوات که همان تمثیل منطقی است عبارت است از اثبات حکم جزئی برای حکم جزئی دیگر به واسطه علت مشترک.

مبحث نهم: عقل

۱۴۵- کسی که از چشمه واقع در ملک دیگری حق شرب دارد، حق دارد برای رسیدن به چشمه داخل آن ملک شود، حق اخیر به لحاظ: (آزمون ۱۳۸۰)

- الف) تبعیت از حق اولی است. (ب) توافق طرفین است.
ج) لازمه عقلی حق اولی است (د) لازمه طبیعی حق اولی است.
گزینه «ج» صحیح می باشد.

۱۴۶- اگر شخصی فقط خود را به یکی از دو نفر مدیون بداند ولی نداند کدام یک؟ پرداخت دین به هر دو نفر از باب مقدمه است. (آزمون ۱۳۸۰)

- الف) وجوب (ب) علم
ج) وجود (د) صحت
گزینه «ب» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۰۲/۱.

۱۴۷- «مستأجر حق دارد عین مستأجره را اجازه دهد..... تحویل آن به مستأجر دوم احتیاج به اذن مؤجر ندارد.» مبنای حکم اخیر چیست؟ (آزمون ۱۳۸۱)
الف) نظر قانون گذار

- ب) چون اذن در شیئی، اذن در لوازم آن است.
ج) مالکیت مستأجر دوم نسبت به منافع مورد اجازه
د) مالکیت مستأجر اول نسبت به منافع مورد اجازه
گزینه «ب» صحیح می باشد.

کلیه قاعده اذن در شیئی مستلزم اذن در لوازم آن است، یک حکمی عقلی و ادراک روشن ذوق سلیم است که هرگاه شرع یا قانون عملی را مجاز شمارند، لوازم و آثار لاینفک آن را نیز باید مجاز بدانند. بدین ترتیب اینکه، «مستأجر حق دارد عین مستأجره را اجازه دهد مگر اینکه در قرارداد یا به موجب قانون منع شده باشد، و تحویل آن به مستأجر دوم نیز احتیاج به اجازه مؤجر ندارد»، مبنای این حکم همان قاعده فوق است.

۱۴۸- مقصود از «لوازم» در جمله «اذن در شیء اذن در لوازم آن است»، کدام است؟ (آزمون ۱۳۸۳)

- الف) لوازم عادی (ب) لوازم ذاتی
ج) لوازم عقلی (د) کلیه لوازم
گزینه «د» صحیح می باشد.

۱۴۹- تفاوت معنی در میان دو واژه «اذن و اجازه» چیست؟ (آزمون ۱۳۸۳)

- الف) اجازه، تنها در موافقت با اعمال حقوقی است اما اذن، اعم از آن است.
ب) اذن، موافقت قبلی و اجازه، موافقت بعدی صاحب حق است.
ج) اجازه، اعم از اذن است.
د) تفاوتی نیست.
گزینه «ب» صحیح می باشد.

کجه به طور کلی، واژه «اذن» مربوط است به قبل از انجام عمل حقوقی، کما اینکه در ازدواج دختر باکره، اذن و موافقت قبلی پدر لازم است. لیکن، واژه «اجازه» مربوط است به بعد از انجام یک عمل حقوقی. کما اینکه در معاملات فضولی، اجازه و موافقت بعدی اصیل و مالک باعث تنفیذ معامله انجام شده، می‌شود.

(آزمون ۱۳۸۳)

۱۵۰- لوازم ذات عقد چیست؟

الف) آثار شرعی مترتب بر عقد

ب) آثاری که از عقد، انفکاک ناپذیرند.

ج) آثاری که در صورت اطلاق عقد، بر آن مترتب می‌شوند.

د) آثاری که متعاقدين نسبت به ترتب آنها بر عقد، تصریح کرده باشند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۲۸.

۱۵۱- طبق نصّ قانون کشت خشخاش مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر ممنوع است. به دولت طبق قانون اجازه داده

است برای مصارف دارویی تریاک تولید نماید و تنها راه تولید تریاک کشت خشخاش است. در این صورت: (آزمون ۱۳۸۴)

الف) طبق قاعده (اذن در شیء اذن در لوازم آن است) دولت مجاز به کشت خشخاش برای تولید تریاک جهت مصارف دارویی می‌باشد.

ب) با توجه به تعارض دو قانون اصل احتیاط جاری است و کشت خشخاش برای دولت نیز ممنوع است.

ج) با توجه به اطلاق ممنوعیت کشت خشخاش دولت نمی‌تواند اقدام به کشت خشخاش برای تولید تریاک جهت مصارف دارویی کند.

د) مقنن در زمان وضع ماده قانونی مربوط به کشت خشخاش در مقام بیان نبوده است لذا نمی‌توان به اطلاق این قانون استناد کرد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۱۵۲- مطابق اصول ۱۵۶ و ۳۵ قانون اساسی قوه قضائیه مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و

آزادی‌های مشروع است و اگر متداعیین توانائی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل، فراهم گردد. تعیین

وکیل تسخیری در موارد لزوم، مصداق کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) مقدمه واجب

ب) مقدمه واجب

ج) واجب مطلق

د) واجب عینی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۰۱ به بعد.

۱۵۳- طبق نظر مشهور اصولیین: در خصوص اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

الف) مقدمه واجب همیشه واجب است.

ب) مقدمه واجب همیشه واجب نیست.

ج) اگر به صورت شرط شرعی باشد واجب و در غیر این صورت واجب نیست.

د) اگر به صورت سبب باشد واجب نیست ولی اگر به صورت غیر سبب باشد واجب است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۱۹.

۱۵۴- آیا بحث مقدمه واجب با بحث «اذن در شیئی، اذن در لوازم آن است» بحث واحدی است؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) مصادیق هر دو بحث، یکی بوده و بر هم منطبق‌اند.

ب) بحث اذن در شیئی اعم از بحث مقدمه واجب است.

ج) این دو بحث در پاره‌ای موارد، بر یکدیگر، منطبق می‌باشند.

د) بحث اذن در شیعی در ارتباط با لوازم ناشی از مأذون بوده و بحث مقدمه، مربوط به اموری است که شرعاً یا عقلاً، مقدم بر واجب است. گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۲۵.

۱۵۵- مقدمه واجب به کدام دلیل واجب است؟ (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) اذن در شی اذن در لوازم آن است.

ب) به حکم عقل

ج) اگر مقدمه واجب نباشد دیگر وجوبی در کار نیست.

د) وجوب امری، عین وجوب مقدمات و اجزای آن واجب است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۲۱۸ تا ۲۲۰.

۱۵۶- ماده ۶۷ قانون مدنی می‌گوید: «مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست، وقف آن باطل است.» از این ماده نتیجه می‌گیریم که قبض در عقد وقف:

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) مقدمه صحت است.

ب) مقدمه علم است.

ج) مقدمه نفوذ است.

د) مقدمه وجود است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۱۵۷- ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی می‌گوید: «کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد...» تمکن منفق نسبت به وجوب انفاق مصداق چه مقدمه‌ای است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) مقدمه صحت

ب) مقدمه وجوب

ج) مقدمه وجود

د) مقدمه علم

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۱۵۸- ماده ۱۰۷۹ ق.م. که می‌گوید: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود، معلوم باشد.» مصداق کدام مورد است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) قطع

ب) شک

ج) علم تفصیلی

د) علم اجمالی

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلمه علم تفصیلی موجب تنجز تکلیف می‌شود، به عبارت دیگر در علم یا قطع تفصیلی تردیدی در متعلق علم وجود ندارد اما در علم اجمالی (قطع اجمالی)، معلوم مردّد بین دو یا چند نفر است. (دکتر روشنگری شکاری، اصول فقه، شماره ۱۰۰)

مبحث دهم: قاعده استصلاح، استحسان، سدذرایع، عرف و عادت

۱۵۹- «صالح مرسله» مصالحی هستند که (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) ادله صریح بر وجوب عدم رعایت آنها وجود دارد.

ب) ادله صریح بر وجوب رعایت آنها وجود دارد.

ج) ادله وجوب آنها ارسال شده اما به ما نرسیده است.

د) دلیل خاصی نه بر وجوب رعایت آنها رسیده و نه بر حرمت آنها
گزینه «د» صحیح می باشد.

که منظور از مصالح مرسله، مصلحتی است که دلیل خاصی نه بر وجوب رعایت آن رسیده و نه بر حرمت آن. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۳۱)

مبحث یازدهم: امارات

۱۶۰- اعتبار اماره به این دلیل است که می باشد. (آزمون ۱۳۸۰)

- الف) موجب رفع حیرت
ب) نوعاً کاشف از واقع
ج) تعبداً به حکم قانون معتبر
د) گاهی رافع حیرت و گاهی کاشف از واقع
- گزینه «ب» صحیح می باشد.

که اماره چیزی است که مثبت حکم وضعی یا موضوعی از موضوعات احکام تکلیفی باشد و به لحاظ کشف از واقع حجت شناخته شده باشد به عبارت دیگر اماره چیزی است که به طور ظنی کاشف از حکم یا موضوعی باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۴۶)

۱۶۱- اصل مثبت، چه اصلی است؟ (آزمون ۱۳۸۱)

- الف) هرگاه از اجراء اصل، حکمی اثبات گردد.
ب) هرگاه از اجراء اصل، موضوع حکمی به اثبات رسد.
ج) هرگاه از اجراء اصل، اثبات آثار غیرشرعی و قانونی، منظور باشد.
د) هرگاه از اجراء اصل، آثار شرعی و قانونی مجرای اصل، منظور شود.
- گزینه «ج» صحیح می باشد.

۱۶۲- اصل مثبت در اصطلاح علم اصول چیست؟ (آزمون ۱۳۸۲)

- الف) این است که از اجراء اصلی، مفهوم مخالف آن اصل، منظور باشد.
ب) این است که از اجراء اصلی، اثبات واقعیت، منظور باشد.
ج) این است که از اجراء اصلی، اثبات کلیه آثار مجرای آن اصل، منظور باشد.
د) این است که از اجراء اصلی، اثبات آثار و لوازم غیرشرعی مجرای آن اصل، منظور باشد.
- گزینه «د» صحیح می باشد.

که اصل مثبت حجت نیست و به عبارت رساتر، اصل نمی تواند مثبت آثار و لوازم عقلی احکام یا موضوعاتی که ثابت کرده است، باشد.

۱۶۳- امارات، مثبت آثار و لوازم متعلق خود می باشند؟ (آزمون ۱۳۸۳)

- الف) آری
ب) خیر
ج) تنها مثبت آثار شرعی متعلق خود می باشند.
د) به جز لوازم عقلی، مثبت کلیه لوازم دیگر متعلق خود می باشند.
- گزینه «الف» صحیح می باشد.

که امارات، مثبت آثار و لوازم عقلی و عادی خود هستند. در حالی که، اصول، مثبت آثار و لوازم عقلی خود نیستند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۲۷۰ و ۲۷۱)

۱۶۴- آیا اصل مثبت شرعاً حجت و معتبر است؟

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) حجت و معتبر نیست.

ب) حجت و معتبر است.

ج) تنها در احکام شرعی حجت و معتبر است.

د) تنها در مورد آثار عقلی حجت و معتبر است.

گزینه «الف» صحیح می باشد.

کجه اصل مثبت حجت نیست و به عبارت رساتر اصل نمی تواند مثبت آثار و لوازم عقلی احکام یا موضوعاتی که ثابت کرده است، باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۷۱)

۱۶۵- ید و تصرف در چه شرایطی، اماره مالکیت متصرف است؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) ید و تصرف مالکانه، در تمام موارد اماره مالکیت ذوالید است.

ب) ید و تصرف مالکانه، اماره مالکیت ذوالید است مگر آنکه معلوم شود که منشأ نامشروع داشته است.

ج) ید و تصرف مالکانه، با احراز مشروعیت منشأ آن، اماره مالکیت متصرف است.

د) ید و تصرف مالکانه، در صورتی که دعوی بر خلاف آن اقامه نشود، اماره مالکیت متصرف است.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

کجه اماره ید، دلالت بر مالکیت متصرف دارد. مگر اینکه، به تصریح ماده ۳۶ قانون مدنی، معلوم شود که منشأ تصرف نامشروع بوده است و یا به تصریح ماده ۳۷ همان قانون، متصرف فعلی اقرار نماید که ملک سابقاً متعلق به مدعی بوده است که در این صورت، متصرف باید انتقال مالکیت به خود را اثبات نماید. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۶)

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۶۶- اصل مثبت در اصطلاح اصولیین اصلی است که:

الف) موضوع آن از موضوعات احکام شرعی یا قانونی باشد.

ب) حکمی شرعی یا قانونی با آن اثبات گردد.

ج) از اجراء آن، آثار و لوازم غیرشرعی و غیرقانونی مجرای آن، اثبات شود.

د) مثبت حکمی یا موضوعی واقعی در شرع یا قانون باشد.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

کجه لازم به توضیح است که سؤال دارای نقص و اشکال است لیکن، از بین گزینه های چهارگانه، فقط این گزینه می توان به عنوان پاسخ پرسش انتخاب کرد.

۱۶۷- بند ۲ ماده ۵۱ ق.آ.د.م. که اقامتگاه مدعی علیه را با قول مدعی احراز می کند مصداق کدام مورد است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) دلیل به معنای اخص

ب) اصل

د) موارد الف و ج

ج) اماره

گزینه «ج» صحیح می باشد.

کجه اماره چیزی است که به طور ظنی مثبت حکم وضعی یا موضوعی از موضوعات احکام تکلیفی باشد و به لحاظ کشف از واقع حجت شناخته شده، برخلاف دلیل که به طور قطع مثبت حکم تکلیفی است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۴۶)

مبحث دوازدهم: اصل برائت

۱۶۸- جواز تصرف انسان در اشیاء ناشی از اصاله:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) الحلیه است.

ب) الاباحه است.

ج) الصَّحَاحه است. (د) الاطلاق است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۰۶.

۱۶۹- اصل برائت در چه موردی جاری می‌شود؟ (آزمون ۱۳۸۱)

الف) در شبهات موضوعیه (ب) در دوران امر بین وجوب و حرمت

ج) در شک در توجه تکلیف (د) در تردید در مکلف‌به

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۹۸.

۱۷۰- از ملاک‌های تشخیص مدعی از منکر، مخالفت و یا موافقت اظهارات ایشان با اصل است، مقصود از این اصل چیست؟

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) اصل عدم (ب) اصل برائت

ج) اصل استصحاب (د) اصل جاری در مورد دعوی و بر حسب مورد

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۱۷۱- در چه مواردی اصل را «مثبت» می‌گویند؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) هرگاه اصل، آثار و لوازم غیرشرعی مجرای خود را اثبات نماید.

ب) هرگاه اصل، کلیه آثار مجرای خود را اعم از عقلی و شرعی اثبات کند.

ج) هرگاه اصل، مفهوم مخالف مورد خود را اثبات کند.

د) هرگاه اصل، اثبات کننده واقعیت مجرای خود باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

مبحث سیزدهم: اصل تخییر

۱۷۲- در صورت علم اجمالی به وجوب یا حرمت عملی، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) اصل عدم وجوب و اصل عدم حرمت جاری می‌گردد.

ب) احتمال حرمت بر احتمال وجوب رجحان دارد.

ج) با وجود این علم اجمالی، احتمال وجوب و احتمال حرمت، تعارض و تساقط می‌کنند.

د) با وجود این علم اجمالی، هیچ اصلی قابل اجرا نیست بلکه تخییر تکوینی بر مورد حاکم است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلیه در صورت عدم تغییر بین محذورین (یعنی این که اجمال ۳ بدانیم که الزامی داریم، اما نوع الزام را نمی‌دانیم که وجوب است یا حرمت)،

بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده میرزای نائینی، در این مورد هیچکدام از اصول شرعی و عقلی قابل اجرا نیست و تخییر موجود،

تخییر عقلی و تکوینی (طبیعی) است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۰۹)

۱۷۳- در صورت علم اجمالی به وجوب و یا حرمت عملی، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) اصل، عدم وجوب و حرمت آن عمل است و حکم ظاهری مورد، پذیرش برائت است.

ب) در مسأله، هیچ اصلی عقلاً قابل اجرا نبوده و مکلف، تکویناً مخیر در انتخاب یکی از دو احتمال است.

ج) با وجود علم اجمالی، اصل عدم در هیچ یک از دو احتمال، قابل اجرا نیست.
د) در تعارض میان احتمال وجوب و احتمال حرمت، احتمال حرمت، عقلاً مرجح و لازم‌الرغایه است.
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۰۹.
۱۷۴- طبق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، کیفر تهدید، شلاق یا زندان است. چنین کیفری مصداق چه نوع تخییری است؟ (آزمون ۱۳۹۰)
الف) تخییر بین محذورین
ب) تخییر بین دو حکم متزاحم
ج) تخییر بین دو دلیل متعارض
د) تخییر بین افراد واجب مخیر
گزینه «د» صحیح می‌باشد.

ک) این نوع تخییر بدین نحو است که دو یا چند چیز مورد یک خطاب و یک تکلیف قرار گیرند مانند «خصال کفارات» و مجازات‌هایی که به صورت مخیر در قانون پیش‌بینی شده است.
✍ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، صفحه ۳۱۶.

مبحث چهاردهم: اصل احتیاط یا اشتغال

۱۷۵- شخصی با شلیک یک گلوله در نزاع دسته جمعی به قتل رسیده است. تردید درباره این که قتل توسط کدام یک از دارندگان سلاح گرم انجام شده:
الف) شبهه غیر محصوره است.
ب) شبهه موضوعیه است.
ج) شبهه مصداقیه است.
د) شبهه محصوره است.
گزینه «د» صحیح می‌باشد.

ک) شبهه محصوره آن است که مورد شبهه و تردید، متعدد بوده ولی دچار شدن به تمام آنها عادتاً ممکن نباشد. در شبهه محصوره احتیاط واجب است. (دکتر محمدحسین شهبازی، مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده مبانی استنباط حقوق اسلامی، نشر میزان)
(آزمون ۱۳۸۱)

۱۷۶- علم اجمالی، منجز است؟

الف) اصلاً منجز نیست.
ب) در شبهات محصوره، منجز است.
ج) در همه موارد، منجز است.
د) در دوران مکلف به میان اقل و اکثر ارتباطی، منجز است.
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

۱۷۷- در مورد شک در «مکلف به» چه اصلی حاکم است؟
الف) اصل برائت
ب) اصل اشتغال

www.Magazine.Shme.ir

ج) لزوم توقف و رجوع به قرائن و مرجحات
د) اصل برائت در شبهات غیر محصوره و اصل اشتغال در شبهات محصوره
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

ک) شک در «مکلف به» جای به کار بردن اصل احتیاط و اشتغال است.

۱۷۸- در خصوص تردید در مبلغ دین، کدام اصل حاکم است؟
(آزمون ۱۳۸۳)

الف) اصل اشتغال

ب) اصل استصحاب بقاء دین

ج) هیچ اصلی جاری نیست.

د) اصل برائت، نسبت به مازاد بر قدر متیقن

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۱۷۹- اگر کسی اقرار به دین نماید ولی ادعا کند آن را پرداخته است:

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) ادعای او به استناد اصل حجت پذیرفته می‌شود.

ب) با توجه به اصل عدم نباید او را بدهکار دانست.

ج) با توجه به اصل اشتغال بایستی حکم بر بدهکار بودن وی نمود.

د) عدالت حکم می‌کند ادعای وی نیز همانند اقرار پذیرفته شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۱۱.

۱۸۰- هرگاه میان متعاملین در مبلغ ثمن، اختلاف باشد، نظر کدام یک مقدم است؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) اختلاف متعاملین در مبلغ ثمن به مجهول شدن ثمن و بطلان معامله می‌انجامد.

ب) با توجه به اصل برائت ذمه مشتری نسبت به مبلغ زائد، نظر وی مقدم خواهد بود.

ج) نظر بایع مقدم است زیرا عدم توجه به گفته وی رضایت معاطی را مخدوش می‌سازد.

د) نظر هیچ یک تقدم ندارد و قاضی باید واقعیت را از طریق دیگر کشف کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کجه بنا به نظر برخی از فقها، تردید در مبلغ ثمن، محل اجرای اصل برائت است و به موجب آن، مشتری از پرداخت مبلغ اضافی معاف می‌شود، در صورتی که، بایع تواند اثبات نماید که ثمن بیشتر بوده است.

۱۸۱- هرگاه مطلقه بعد از عده، شوهر کند و پس از ده ماه از نزدیکی با شوهر اول و شش ماه از نزدیکی با شوهر دوم فرزندی بیاورد،

(آزمون ۱۳۸۵)

این فرزند ملحق به کدام شوهر شناخته می‌شود؟

الف) با توجه به حداکثر مدت حمل که احتیاطاً ده ماه دانسته شده، فرزند ملحق به شوهر اول است.

ب) با توجه به حداقل مدت حمل که شش ماه دانسته شده، فرزند به شوهر دوم ملحق می‌شود.

ج) تعارض احتیاط در حداکثر و حداقل مدت حمل، موجب تساقط آن دو و رجوع به قاعده فراش می‌گردد.

د) با تعارض احتیاط در حداکثر و حداقل مدت حمل، الحاق فرزند به هیچ یک ممکن نیست.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۱۶.

۱۸۲- شک و تردید در مکلف به، مجرای چه اصلی است؟

(آزمون ۱۳۸۵)

www.Magazine.Shme.ir

الف) مجرای اصلی برائت است.

ب) مجرای اصل احتیاط و اشتغال است.

ج) در شبهات محصوره، مجرای اصل اشتغال و در دوران امر میان اقل و اکثر، اصل برائت، جاری است.

د) مجرای اصل تخییر بوده و مکلف در انتخاب دو طرف احتمال، مختار است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کجه مورد وجوب اعمال اصل احتیاط، در نظر اصولیین، مورد شک در «مکلف به» است. صور شک در «مکلف به» نیز به که جای به کار بردن

اصل احتیاط است، متعدد است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۳۱۲ و ۳۱۳)

۱۸۳- هرگاه طلبکار، مبلغی بیش از آنچه مورد قبول بدهکار است، مطالبه کند. مسأله از لحاظ جریان اصول چه می‌شود؟

(آزمون ۱۳۸۶)

- الف) اصول، در این مسأله، متعارض بوده و مشکل باید با مصالحه طرفین، حل و فصل گردد.
ب) بدهکار، مکلف به پرداخت قدر متیقن دین بوده و نسبت به زائد، اصل برائت حاکم است.
ج) بر طبق اصل اشتغال، بدهکار باید کاری کند که اشتغال ذمه یقینی او به برائت ذمه مبدل گردد.
د) در صورتی که ادعای طلبکار از مقوله شبهه محصوره باشد، باید مبلغ زائد پرداخت شود.
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۰۵.

۱۸۴- هرگاه مشتری مدعی شود که مبیع، زمینی با متراژ دویست متر مربع بوده و بایع ادعا کند که زمین مورد معامله، یکصد متر مربع می‌باشد، مسأله از لحاظ جریان اصول عملیه چه می‌شود؟

(آزمون ۱۳۸۶)

- الف) اصله‌العدم، ادعای هر دو طرف را نفی می‌کند.
ب) اصله‌الاشتغال (اشتغال ذمه یقینی برائت یقینی می‌طلبد) بایع را به دادن حداکثر الزام می‌کند.
ج) با وجود قدر متیقن در مبیع، اصل، برائت ذمه بایع از دادن مابه‌التفاوت به مشتری است.
د) مسأله از مصادیق تداعی است و هر یک، هم مدعی و هم منکر است.
گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۱۸۵- کدام اصل در علم اجمالی جاری است؟

(آزمون ۱۳۸۸)

- الف) احتیاط
ب) استصحاب
ج) برائت
د) عدم
گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۱۸۶- در ماده ۸۷۶ ق.م. چنین آمده است: «با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی‌شود.»- وقتی در حیات حین ولادت طفل شبهه باشد، چه شبهه‌ای بوجود آمده است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

- الف) حکمیّه
ب) موضوعیّه
ج) مصداقیّه تحریمیّه
د) مفهومیّه تحریمیّه
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۶۹.

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث پانزدهم: اصل استصحاب

۱۸۷- در صورت شک در نسخ قانون، چه اصل یا قاعده‌ای حاکم است؟

(آزمون ۱۳۸۲)

- الف) هر دو اصل جاری است.
ب) اصل عدم نسخ قانون، حاکم است.
ج) استصحاب بقاء اعتبار قانون، حاکم است.
د) اصل برائت، نسبت به تکلیف محتوای آن قانون، حاکم است.
گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۳۲۹ و ۳۳۰.

۱۸۸- اگر در صحت طلاق تردید شود، استصحاب بقاء زوجیت، از مقوله شک در مقتضی یا شک در وجود رافع یا رافعیّت موجود است؟ (آزمون ۱۳۸۲)

- الف) از مقوله شک در مقتضی است. (ب) شک در وجود رافع است.
ج) شک در رافعیّت موجود است. (د) از هیچ یک از مقولات یادشده نیست.
گزینه «ج» صحیح می باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۷.

۱۸۹- حکم ماده ۳۵۹ قانون مدنی: «هرگاه دخول شیء در مبیع، عرفاً مشکوک باشد، آن شیء داخل در مبیع نخواهد بود.» مبتنی بر کدام مبناست؟ (آزمون ۱۳۸۳)

- الف) مبتنی بر اصل عدم است.
ب) مبتنی بر نص قانون و اراده قانونگذار است.
ج) مبتنی بر اصل برائت بایع از وجوب تسلیم آن شیء می باشد.
د) به دلیل عدم تصریح متعاقدين، نسبت به دخول آن شیء در مبیع است.
گزینه «الف» صحیح می باشد.

کلیه اصل عدم یا قاعده عدم خود قاعده ای است عقلی و نتایج آن را هم شرع و هم عرف و هم قانون پذیرفته است. که در ماده ۳۵۹ قانون مدنی، به شکل اصل عدم دخول در مبیع مطرح شده است، مگر اینکه تصریح به دخول شده باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴)

۱۹۰- در تعارض اصل استصحاب با اصل برائت: (آزمون ۱۳۸۴)

- الف) اصل برائت حاکم است. (ب) اصل استصحاب حاکم است.
ج) اصل تخیر جاری می شود. (د) هر دو اصل ساقط می شوند.
گزینه «ب» صحیح می باشد.

کلیه در تعارض استصحاب با برائت، استصحاب مقدم است. زیرا، محل برائت شک در تکلیف است و استصحاب حکم سابق، این شک را بر طرف می کند و مفاد استصحاب به منزله حکم فرض می شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۲)

۱۹۱- اگر در بقای اعتبار قانونی تردید شود، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) اصل، عدم اعتبار فعلی آن قانون است.

ب) بقای اعتبار قانون استصحاب می شود.
ج) در صورت احتمال نسخ نمی توان آن قانون را معتبر دانست.

د) اگر از قوانین جزایی باشد با توجه به اصل برائت باید آن را نسخ شده بدانیم.
گزینه «ب» صحیح می باشد.

۱۹۲- استصحاب بقاء زوجیت در صورت تردید در وقوع طلاق، چه نوع استصحابی است؟ از نوع شک در: (آزمون ۱۳۸۵)

- الف) وجود رافع است. (ب) بقاء مستصحب است.
ج) رافعیّت موجود است. (د) مقتضی است.
گزینه «الف» صحیح می باشد.

کج شک در وجود رافع عبارت از این است که اصولاً نمی‌دانیم رافعی به وجود آمده یا نه. که در این صورت، امکان استصحاب وجود دارد. چرا که، اصل بر عدم وجود رافع است و رافع باید به گونه‌ای اثبات شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۷)

۱۹۳- تفاوت اصل عدم با استصحاب عدمی چیست؟ (آزمون ۱۳۸۵)

- (الف) اصل عدم از اصول علمیه است اما استصحاب عدمی جنبه اماریت دارد.
(ب) استصحاب عدمی نسبت به اصل عدم، اعم است.
(ج) استصحاب عدمی، حالت سابق لحاظ می‌شود اما اصل عدم، توجهی به حالت سابق ندارد.
(د) تفاوتی میان این دو اصل نیست.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کج تفاوت بین اصل عدم و استصحاب عدمی، از نظر آنهایی که هر دو را قبول دارند، این است که در استصحاب عدم، رعایت حالت سابقه ملحوظ است ولی در اجرای اصل عدم به حالت سابقه توجهی نمی‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴)

۱۹۴- هرگاه یکی از زوجین، مدعی می‌شود که عقد نکاح او دائم بوده و دیگری مدعی نکاح موقت و انقضاء مدت باشد، مسأله، از

لحاظ اصول عملیه چگونه است؟ (آزمون ۱۳۸۶)

- (الف) با اجراء اصل عدم، هر دو قسم نکاح منتفی شناخته می‌شود.
(ب) با اجراء اصل برائت، آثار عقد دائم از جمله نفقه و ارث، منتفی و نکاح موقت، اثبات می‌گردد.
(ج) با وجود علم اجمالی به یکی از دو قسم نکاح، هیچ اصلی قابل اجراء نیست.
(د) با اجراء اصل استصحاب بقاء زوجیت، لوازم و ملزومات شرعی آن از جمله دائم بودن نکاح قابل اثبات است.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۱۹۵- استصحاب بقاء زوجیت در صورت تردید در وقوع طلاق، چه نوع استصحابی است؟ از نوع شک در: (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- (الف) مقتضی است.
(ب) بقاء مستصحب است.
(ج) رافعییت موجود است.
(د) وجود رافع است.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲.

۱۹۶- هرگاه دخول شیء در مبیع عرفاً مشکوک باشد، آن شیء داخل در بیع نخواهد بود. این معنی ناشی از اصل است.

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- (الف) تأخر حادث
(ب) برائت
(ج) استصحاب
(د) عدم

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴.

۱۹۷- در فرض شک در تحقق توبه‌ای که مسقط مجازات حدی است: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

- (الف) استصحاب بقای مجازات، مانع جریان قاعده درء است.
(ب) قاعده درء جاری می‌شود، چون عنوان شبهه که موضوع درء است، محقق می‌باشد.
(ج) حکم به بقای استحقاق کیفر که مقتضای حالت سابقه است، نافی شبهه است، پس موردی برای جریان قاعده درء باقی نمی‌ماند.
(د) موارد الف و ج صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلیه با توجه به اینکه استصحاب ابقاء حالت سابقه است، لذا با توجه به سؤال مطروحه مجازات حدی سابق که به یقین بر مجرم ثابت گردیده، با شک لاحق درخصوص توبه‌ای که مسقط مجازات حد است ساقط نمی‌شود و موردی برای جریان قاعده درء باقی نمی‌ماند چون یقین سابق شک لاحق را منتفی می‌سازد.

۱۹۸- ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی که می‌گوید: «هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند...» ریشه در چه اصلی دارد؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) استصحاب (ب) اشتغال

ج) صحت (د) عدم

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۹۸ دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۹۴.

۱۹۹- ماده ۸۷۶ قانون مدنی گوید: «با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی‌شود.» مبنای حکم این ماده چیست؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) اصل عدم (ب) اصل برائت

ج) اصل استصحاب (د) اصل احتیاط

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلیه در تحقق شرط شک است و اصل عدم تحقق آن است. مثال دیگر: اصل عدم ولایت کسی بر دیگری.

۹۸ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۲۹۵.

۲۰۰- ماده ۱۹۸ ق.آ.د.م. که می‌گوید: «در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد اصل بر بقای آن است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.» مصداق کدام مورد است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) اصل استصحاب (ب) ابقاء ماکان

ج) لاتنقض الیقین بالشک بل انقضه بیقین آخر (د) هر سه مورد

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلیه اصل استصحاب به معنی «ابقاء ماکان» است، یعنی حکم به بقای آنچه پیش‌تر وجود داشته است. «لا تنقض الیقین بالشک بل انقضه بیقین آخر» (یقین سابق با شک لاحق نقض نمی‌شود بلکه با یقین جدیدتر نقض می‌گردد) نیز تعریف اصل استصحاب می‌باشد.

۲۰۱- برابر ماده ۱۱۸۰ ق.م «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون

در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.» قائل شدن به ولایت قهری پدر و جد پدری برای سفیه یا مجنونی که به سن

بلوغ رسیده به حکم کدام اصل است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

الف) احتیاط (ب) اشتغال

ج) استصحاب (د) تخییر

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۹۸ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۸۱ به بعد.

مبحث شانزدهم: تعارض اصول و قواعد با یکدیگر

۲۰۲- شخصی مال موکل خود را فروخته است، هرگاه در بقای وکالت حین العقد شک نمایم و در نتیجه در مالکیت برای مشتری شک

به وجود آید شک‌های مزبور به ترتیب شک..... است. (آزمون ۱۳۸۰)

الف) مؤخر و مقدم (ب) مقدم و مؤخر

ج) سببی و مسببی (د) مسببی و سببی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۱)

۲۰۳- در تعارض میان استصحاب سببی و مسببی چه باید کرد؟

الف) تساقط دو استصحاب

ب) استصحاب در سبب، مقدم است.

ج) استصحاب در مسبب، مقدم است.

د) استصحابی که موافق احتیاط باشد، مقدم است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۳۳۴ و ۳۳۵.

(آزمون ۱۳۸۱)

۲۰۴- در تعارض قاعده ید و استصحاب، کدام یک مقدم است؟

الف) قاعده ید بر استصحاب عدم مالکیت متصرف، مقدم است.

ب) قاعده ید مقدم است، مگر مدعی وجود داشته باشد.

ج) قاعده ید مقدم است، مگر منشاء تصرف، مقدم باشد.

د) قاعده ید مقدم است، مگر سبق تصرف متصرف، احراز نشود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۲۰۵- هرگاه در صحت عقدی تردید شود، چه ضابطه و قاعده‌ای مشکل را حل می‌کند؟

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) قاعده صحت در عقد، حاکم خواهد بود.

ب) اصل عدم تأثیر عقد، حاکم است.

ج) وضع حقوقی قبل از عقد، استصحاب می‌شود.

د) هرگاه تردید، ناشی از احتمال فقدان شرطی باشد، اصل عدم صحت و اگر ناشی از احتمال وجود مانعی باشد، اصل عدم مانع، حاکم خواهد بود.

سگزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کلیه قاعده صحت که از آن با عناوین: اصاله الصّحه، اصل صحت، اصاله الصّحه کار دیگری نام می‌برند قاعده‌ای است که به موجب آن باید کاری را که از کسی سر می‌زند، درست دانست یعنی، آثار کار درست را بر آن بار کرد مگر اینکه خود او متهم به نادرستی در آن باشد یا خلاف آن ثابت شود.

(آزمون ۱۳۸۲)

۲۰۶- تعارض ظن با اصل استصحاب، چه حکمی دارد؟

www.Magazine.Shme.ir

الف) ظن مطلقاً بر اصول، مقدم است.

ب) ظن خاص و معتبر بر استصحاب مقدم است.

ج) تعارض ظن با اصل استصحاب، موجب تساقط هر دو می‌گردد.

د) ظنون متعلق به موضوعات، مقدم بر اصل استصحاب است ولی ظنون در ارتباط با احکام، در صورت تعارض، تساقط می‌کنند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کجه مثل اینکه، در مورد عمل به اصل استصحاب بقای غایب مفقودالاثر ظنی برخلاف آن وجود داشته باشد که به آن ظن عمل می‌شود. ظن خاص آن است که دلیلی خاص بر حجت بودن آن رسیده باشد. که این ظن از اصل عدم حجیت ظن خارج می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۲۷۹ و ۲۸۰)

۲۰۷- در تعارض قاعده تصرف و ید با استصحاب عدم مالکیت متصرف، حکم چیست؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) قاعده ید، مطلقاً بر استصحاب مخالف، مقدم است.

ب) قاعده ید، مقدم است مگر آنکه متصرف به عدم مالکیت خود در گذشته، اعتراف کند.

ج) قاعده ید، در صورتی که منشأ مالکیت متصرف، معلوم باشد. بر استصحاب مخالف، مقدم است.

د) در تعارض ید و استصحاب مخالف، هر دو تساقط می‌کنند و حل مسأله از طریق موازین و اصول دیگر خواهد بود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کجه قاعده ید بر استصحاب مقدم است. مثلاً اگر کسی متصرف مالی باشد نمی‌توان با استناد به استصحاب عدم مالکیت او را نفی کرد.

۲۰۸- در تعارض اصل صحت با استصحاب بقاء حالت سابق، چگونه باید عمل کرد؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) تعارض این دو، موجب تساقط آنها می‌گردد.

ب) اصل صحت را بر استصحاب حالت سابق، مقدم باید دانست.

ج) تقدم هریک بر دیگری، منوط به نظر عرف در هر مورد است.

د) با استصحاب بقاء حالت سابق، نمی‌توان اصل صحت استناد کرد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کجه از مطالعه و بررسی کتب اصولیین به این نتیجه می‌رسیم که اینان قاعده صحت را بر اصل استصحاب مقدم می‌دانند و بر این عقیده اجماع و اتفاق نظر دارند خواه این قاعده را اماره بدانند یا اصل و استصحاب را اماره بدانند یا اصل. ولی، محققان اصول این قاعده را اماره و استصحاب را اصل می‌دانند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۹)

۲۰۹- نسبت میان قاعده لاضرر و اصل تسلیط چیست؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) قاعده لاضرر، مخصص اصل تسلیط است.

ب) قاعده لاضرر، حاکم بر اصل تسلیط است.

ج) قاعده لاضرر، وارد بر اصل تسلیط است.

د) قاعده لاضرر، نسخ جزئی و ضمنی اصل تسلیط است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۲۱۰- نسبت قاعده ید با استصحاب عدم مالکیت، چیست؟ (آزمون ۱۳۸۳)

الف) تخصیص
ب) تعارض جزئی

ج) تعارض ظاهری
د) تعارض کلی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۲۱۱- در تعارض میان اصل استصحاب و اصل تخییر، کدام یک مقدم است؟ (آزمون ۱۳۸۳)

الف) استصحاب، مقدم است.

ب) اصل تخییر، حاکم است.

ج) استصحاب وجودی، مقدم و استصحاب عدمی، مؤخر از اصل تخییر است.

د) استصحاب حکم عقل، مقدم و استصحاب حکم شرع، مؤخر از اصل تخییر است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کج در مورد تعارض استصحاب با اصل تخییر، اصل استصحاب مقدم است. زیرا، محل اجرای اصل تخییر جایی است که در تکلیف تردید و تحیر باشد و قابل جمع و احتیاط‌پذیر هم نباشد و با اجرای استصحاب در جایی که حالت سابقه وجود داشته، تردید و تحیر از بین می‌رود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۴)

۲۱۲- در تعارض میان اصالة الصّحه و اصل استصحاب مخالف، کدامیک مقدم است؟ (آزمون ۱۳۸۳)

(الف) اصالة الصّحه، بر استصحاب مخالف، مقدم است.

(ب) اصل استصحاب بر سایر اصول عملیه، مقدم است.

(ج) در تقدم هر یک از این دو اصل، رابطه سببیت و مسببیت باید لحاظ گردد.

(د) در مورد عقود، اصالة الصّحه، مقدم و در ایقاعات، اصل استصحاب تقدم خواهد داشت.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۲۱۳- طبق ماده ۶۹۴ قانون مدنی: «علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می‌نماید شرط نیست بنابراین اگر کسی ضامن دین شخص بشود بدون اینکه بداند آن دین چه مقدار است ضامن، صحیح است...» جواز انعقاد چنین عقدی مستند به کدام گزینه است؟ (آزمون ۱۳۹۲)

(الف) اصالة الجواز (ب) اصالة الاباحه

(ج) اصالة السّلامه (د) اصالة الصّحه

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۹ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۹۹.

۲۱۴- در تعارض قاعده ید با اصل استصحاب: (آزمون ۱۳۸۴)

(الف) قاعده ید مقدم است. (ب) هر دو ساقط می‌شوند.

(ج) اصل تخییر جاری می‌شود. (د) اصل استصحاب مقدم است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کج قاعده ید بر اصل استصحاب مقدم است. مثلاً اگر کسی متصرف مالی باشد نمی‌توان با استناد به استصحاب، عدم مالکیت او را نفی کرد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۶)

۲۱۵- در بحث تعارض‌ها، اصطلاح ورود به چه معناست؟ (آزمون ۱۳۸۴)

(الف) به شمول عام بر کلیه مصادیق آن، ورود گفته می‌شود.

(ب) به شمول مطلق بر افراد و مصادیق آن، ورود گفته می‌شود.

(ج) تأخر تاریخ صدور یکی از قوانین متعارض بر دیگری ورود نامیده می‌شود.

(د) به این معنی است که قانون موضوعی را خارج از عام است در آن وارد یا موضوعی را که داخل در عام است از آن خارج نماید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کج ورود عبارت است از این که موضوعی واقعاً از عموم خارج نباشد ولی قانون آن را خارج دانسته باشد یا، برعکس، موضوعی واقعاً از عموم عام خارج باشد ولی قانون آن را داخل دانسته باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۴۷)

۲۱۶- ماده ۹۵۶ قانون مدنی، مرگ طبیعی را پایان اهلیت استحقاق انسان شمرده است ولی ماده ۱۰۱۸ همان قانون، تاریخ صدور حکم موت فرضی را (در مورد غایب مفقودالخبر) پایان آن اهلیت شمرده است. رابطه ماده ۱۰۱۸ نسبت به ماده ۹۵۶ قانون مزبور مصداق کدام مورد است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) حکومت
ج) تخصیص
ب) ورود
د) تخصّص

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

﴿ رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۳۰۸.

۲۱۷- در تعارض اصالة الصّحه در عقد بیع با اصل عدم تأثیر، حکم چیست؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) تساقط هر دو اصل و رجوع به اصل ثالث برحسب مورد

ب) تقدم اصل عدم تأثیر عقد بر اصالة الصّحه

ج) تقدم استصحاب بقاء مالکیت بایع نسبت به مبیع

د) تقدم اصالة الصّحه بر اصل عدم تأثیر عقد

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

چراکه، اصل صحت با این شرط که اولاً: عقد به لحاظ عرفی واقع شده باشد. ثانیاً: دلیلی همچون اقرار یا شهادت برخلاف آن نباشد، بر هر اصل دیگری مقدم است.

۲۱۸- در تعارض اصل استصحاب با اصل اشتغال و احتیاط، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) اصل استصحاب در تمام موارد بر اصل اشتغال مقدم است.

ب) اصل استصحاب در صورتی که موضوع احتیاط را متفی سازد، مقدم خواهد بود.

ج) اصل احتیاط در هر مورد، وسیله احراز واقعیت و به تعبیری طریق نجات است.

د) حکم به تساقط هر دو اصل کرده و اصل ثالثی برحسب مورد، حاکم خواهد بود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

﴿ به قول معروف، استصحاب «عرش اصول و فرش امارت است.» یعنی، بر تمام اصول عملیه، از جمله اصل اشتغال (احتیاط) تقدم دارد. «الاستصحاب عرش الاصول و فرش الامارات.» یعنی: استصحاب از هر اصل دیگر برتر ولی از امارات پایین‌تر است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۴۱)

۲۱۹- در تعارض قاعده تسلیط با قاعده لاضرر، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) قاعده تسلیط بر قاعده لاضرر، تقدم خواهد داشت.

ب) قاعده لاضرر، مقدم بر قاعده تسلیط می‌باشد.

ج) هر دو قاعده تساقط کرده و مشکل، برحسب مورد با اصول عملیه باید حل و فصل گردد.

د) ضرر مالک و ضرر غیر، مقایسه و ضرر اشد و اقوی بر ضرر اضعف، تقدم خواهد یافت.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

اصولاً، قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط مقدم است بدین معنی که، هر جا اعمال حق مالکیت منجر به ضرر و زیان دیگری شود، حق مالکیت محدود گردیده و از ضرر به ناحق جلوگیری می‌شود. اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مؤید همین مطلوب است.

۲۲۰- هرگاه در صحت عقدی تردید شود، از طرفی استصحاب حالت قبل از عقد به معنی بطلان و عدم تأثیر آن عقد است و از طرفی

اصل صحت در مورد، به معنی صحت و اعتبار عقد است. در این تعارض حکم چیست؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) استصحاب بقاء حالت سابق، اصل مثبت بوده و معتبر نیست.

ب) اصل صحت بر استصحاب حالت سابق مقدم است.

ج) استصحاب بقاء حالت سابق بر عقد جاری و مقدم است.

د) تعارض دو قاعده، موجب تساقط و عدم اعتبار هر دو می‌باشد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

✎ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۹.

۲۲۱- نتیجه تعارض اصل استصحاب با اصل برائت چه خواهد بود؟

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) به لحاظ تعارض هر دو ساقط می‌شوند. (ب) برائت مقدم است.

ج) استصحاب مقدم است. (د) حتی المقدور به هر دو عمل می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کج در این مورد، استصحاب مقدم است. زیرا، محل برائت شک در تکلیف است و استصحاب حکم سابق، این شک را بر طرف می‌کند و مفاد

استصحاب به منزله حکم فرض می‌شود. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۲)

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

۲۲۲- در تعارض میان استصحاب سببی و مسببی:

الف) استصحاب مسببی مقدم می‌شود، چون با استصحاب سببی، رابطه تولیدی دارد.

ب) استصحاب سببی مقدم است، چون موضوع شک در استصحاب مسببی را از میان برمی‌دارد.

ج) با توجه به حجیت هر دو استصحاب، به استصحابی که حالت سابق در آن، زماناً متقدم باشد، عمل می‌شود. چون ادله حجیت بهتر بر آن صادق می‌آید.

د) تقدیم یکی بر دیگری، معقول نیست، در نتیجه، هر دو ساقط می‌شوند و به اصول و قواعد مراجعه می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۲۲۳- در واقعه مجهول التاريخ، به لحاظ جریان استصحاب در آنها:

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) به لحاظ ماهوی با دو واقعه معلوم التاريخ تفاوتی ندارند.

ب) نمی‌توانند مشمول استصحاب عدم ازلی باشند.

ج) مورد جریان استصحاب نیستند، زیرا استصحاب عدم تأخر در یکی معارض است با استصحاب عدم تأخر دیگری.

د) اصولاً از شمول ادله استصحاب خارج است، چون ارکان استصحاب در آنها وجود ندارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

کج گاهی با اینکه پیدایش دو چیز مسلم است ولی تاریخ آن و تقدّم و تأخّر یا تقارن آن دو معلوم نیست. اصل تأخّر حادث در هر دو جاری

می‌شود و دو اصل با هم تعارض و تساقط می‌کنند و باید به اصول و قواعد دیگری روی آورد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق

اسلامی، شماره ۲۸۵)

دومشته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث هفدهم: تعارض ادله

www.Magazine.Shme.ir

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۲۴- مرجحات عبارت است از آنچه در مقام:

الف) نسخ قانون به آن توجه شده است.

ب) قانونگذاری سبب ترجیح قانون شده است.

ج) رفع اجمال از دو قانون مؤثر است.

د) تراحم موجب ترجیح دلیلی بر دلیل دیگر می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

که منظور از مرجحات چیزهایی است که دلیلی را بر دلیل دیگر برتری و ترجیح می‌دهد و تعارض را از بین می‌برد و این بر سه گونه است: شهرت، موافقت داشتن در ماهیت با قرآن و مخالفت روایت با مذاهب اهل سنت. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۱۱)

۲۲۵- ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است.» مجازات قصاص، حدود و دیات نسبت به این حکم چه رابطه‌ای دارد؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) تقیید
ج) تخصّص
ب) ورود
د) تخصیص
گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

که در اصطلاح علم اصول فقه، تخصّص عبارت است از اینکه موضوعی واقعاً از عام خارج باشد.
رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۳۰۷.

۲۲۶- اگر انتقال مال غیر، واجد همه ارکان بزه کلاهبرداری نباشد، ولی قانون مجازات کلاهبرداری را برای آن در نظر بگیرد، از باب است. (آزمون ۱۳۸۰)

الف) حکومت
ج) تخصّص
ب) تخصیص
د) ورود
گزینه «د» صحیح می‌باشد.

که ورود عبارت است از اینکه، موضوعی واقعاً از عموم خارج نباشد ولی قانون آن را خارج دانسته باشد. یا، برعکس، موضوعی واقعاً از عموم عام خارج باشد ولی قانون آن را داخل دانسته باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۰۸)
۲۲۷- برابر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، توافق بین دو یا چند نفر مبنی بر دریافت و پرداخت ربا جرم است و طبق تبصره ۳ همان ماده، ربای بین پدر و فرزند یا زن و شوهر، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. بین ماده و تبصره مذکور چه نسبتی وجود دارد؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) ورود
ج) تخصّص
ب) حکومت
د) تخصیص
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

که حکومت در باب تعارض ادله عبارت است از بیرون بردن فردی از حکمی که برای موضوعی صادر شده مانند حکومت قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط. (دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران)

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۳۰۹.

۲۲۸- وکیل دادگستری برای روز و ساعت معین به دو دادگاه دعوت شده است. موقعیت مزبور از قبیل است. (آزمون ۱۳۸۰)

الف) تعارض
ج) تعادل
ب) تراحم
د) تضاد
گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۰۵.

۲۲۹- در تعارض ادله متکافی، چه باید کرد؟
الف) از همه باید چشم پوشید.
(آزمون ۱۳۸۱)

ب) دلیل حرمت بر دلیل وجوب مقدم می‌شود.

ج) در تعارض روایات، اصل تخییر و در سایر ادله، تساقط حاکم است.

د) بر حسب اصل تخییر، باید یکی از آنها را مورد عمل قرار داد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۲۳۰- تعارض ظاهری دو دلیل است؟

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) هرگاه محتوای دو دلیل، با یکدیگر در تقابل باشند.

ب) هرگاه مدلول هر یک از دو دلیل، مدلول دلیل دیگر را نفی کند.

ج) هرگاه محتوای دو دلیل، ظهور در عدم امکان جمع میان آن دو داشته باشد.

د) هرگاه مؤدای دو دلیل متعارض، عرفاً جمع بوده و یا جریان یکی از آنها مانع جریان دیگری شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کج گاهی دو دلیل به ظاهر متعارضند ولی پس از دقت و چاره‌جویی معلوم می‌شود که تعارض واقعی نیست. چه منظور از تعارض واقعی این است که: شارع و قانون‌گذار نتواند مدلول هر دو دلیل را بخواهد، اما در موارد تعارض ظاهری چنین نیست و خواستن هر دو ممکن است.

این موارد عبارتند از: تزامم احکام، تخصیص، تخصص، ورود، حکومت، جمع عرفی.

۲۳۱- در تعارض قانون خاص مقدم با عام مؤخر، حکم وحدت رویه چیست؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) قانون خاص مقدم، مخصص عام مؤخر می‌باشد.

ب) قانون خاص، ناسخ جزئی عام مؤخر است.

ج) قانون عام مؤخر، ناسخ خاص مقدم است.

د) تعارض میان این دو قانون به تساقط هر دو می‌انجامد و باید عملیه رجوع شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

کج به نظر می‌رسد، منظور از رأی وحدت رویه، رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۲۱۲ مندرج در روزنامه رسمی مورخ ۱۳۵۰/۸/۶ می‌باشد. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۲۲)

(آزمون ۱۳۸۶)

۲۳۲- در مورد دلیل متعارض، تکلیف چیست؟

الف) طبق اصل اشتغال، باید احتیاط کرده و به هر دو دلیل عمل شود.

ب) طبق اصل تخییر، مکلف، مخیر در عمل به یکی از دو دلیل متعارض است.

ج) تکلیف مکلف، شرعاً، انتخاب یکی از دو دلیل بوده اما عقلاً و قانوناً هر دو دلیل از اعتبار ساقطند.

د) در صورت وجود مرجع، باید به دلیل راجح عمل کرد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کج دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۳۴۳ و ۳۴۴.

۲۳۳- حکم به اینکه «صرف صدور حکم اجازه طلاق از سوی دادگاه به زوج، سبب قطع رابطه زوجیت نمی‌شود.» مبتنی است بر:

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) بی‌توجهی به اصل احتیاط که به موجب آن برای حکم به جواز روابط زوجیت یقین داشت.

ب) استصحاب بقای نکاح در فرض شک در وقوع طلاق که از موارد استصحاب موضوعی و حجت است.

ج) اینکه اسباب شرعی، توفیقی است و صرف اذن در سبب، به معنای تحقق مسبب نیست.

د) اینکه اذن در شیء ضرورتاً و در همه جا به معنای اذن در لوازم آن نیست.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۲۳۴- تفاوت میان تخصیص و ورود:

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) دقیقاً مانند تفاوت میان حکومت و ورود است.

ب) مانند تفاوت میان مخصص لفظی و مخصص لبی است.

ج) مانند تفاوت میان عموم و اطلاق است که دلالت یک لفظی است و دلالت دیگر عقلی و مستند به مقدمات حکمت است.

د) آن است که در تخصیص، خروج افراد از شمول عموم، خروج حقیقی است، ولی در ورود، خروج افراد، تعبّدی و تنزیلی است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره‌های ۳۰۶ تا ۳۰۹.

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۲۳۵- مفاد قاعده: «الجمع بین الدلیلین مهما امکن اولى من الطرد»:

الف) جمع تبرعی و بدون شاهد لفظی را تجویز می‌نماید.

ب) قاعده‌ای عقلی و محدود است به باب تعارض میان دو حکم شرعی

ج) بیانگر حکمی شرعی است ناظر به رفع تعارض میان دو دلیل

د) قاعده‌ای است عقلایی که تنها بر لزوم جمع عرفی میان دو دلیل به ظاهر متعارض دلالت می‌نماید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کج در صورت تعارض دو دلیل یا حکم در صورتی دلیل ساقط و حکم نسخ می‌گردد که هیچ‌گونه تردیدی در تعارض واقعی آنها نباشد و

چون نسخ حکم و سقوط دلیل امری استثنایی است چنانچه تعارض ظاهری باشد اصولیین با قاعده عقلی «جمع» مدلول هر دو دلیل را طلب

می‌کنند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۰۳ و ۳۰۴)

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۲۳۶- در دوران امر میان نسخ و تخصیص:

الف) نسخ مقدم است، زیرا نتیجه آن، التزام کامل به مضمون یکی از دو دلیل است.

ب) هیچ‌یک بر دیگری ترجیح ندارد و باید از طریق فحص و بررسی از قرائن، به مقدم بودن یکی از آن دو اطمینان حاصل نمود.

ج) تخصیص مقدم است، زیرا در محیط تشریع و قانونگذاری، امری کاملاً رایج است.

د) تقدیم تخصیص مخصوص به شرعیات است که نسخ در آنها کمتر راه دارد، اما در قانونگذاری عادی که نسخ، امری رایج است، مقدم

نمودن تخصیص وجهی ندارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۲۳.

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۲۳۷- مقتضای قاعده در دو دلیل متعارض:

الف) تخییر است، زیرا بنابر فرض، هر دو دلیل دارای شرایط حجیت و اعتبار است.

ب) تساقط است، در صورتی که یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشد.

ج) تساقط است مطلقاً.

د) تساقط معنای التزامی دو دلیل است، نه معنای مطابقی آن دو.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۰۳.

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۲۳۸- حق تزامم میان دو حکم متزاحم:

الف) براساس قواعد مقبول در قلمرو تفسیر الفاظ انجام می‌گیرد.

ب) تابع ملاک اهمیت و اصل تقدیم اهم بر مهم است.

ج) دقیقاً مانند حل تعارض میان دو دلیل متعارض است.

د) نیازمند استنباط ملاک اهمیت از خصوص الفاظ مربوط به آن دو حکم است.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

کج هرگاه بین دو حکم تراحم باشد در صورتی که یکی نسبت به دیگری مهم تر باشد آن، مقدم است وگرنه مکلف مخیر است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۳۰۵)

۲۳۹- طبق ماده ۳۵۳ ق.آ.د.م. دادگاه تجدیدنظر پس از نقض «قرار»، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار عودت می دهد اما اگر «قرار ردّ دادخواست جلب شخص ثالث» که توأم با حکم راجع به اصل دعوا نسبت بدان تجدیدنظرخواهی شده - در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، مطابق ذیل ماده ۱۴۰ همان قانون، رسیدگی به آن با دعوای اصلی در دادگاهی به عمل می آید که به عنوان تجدیدنظر رسیدگی می نماید. وضعیت یاد شده، مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) ناسخ ب) مخصص متصل

ج) مخصص منفصل لفظی د) مخصص منفصل عقلی

گزینه «ج» صحیح می باشد.

کج مخصص منفصل دلیلی است مستقل و جدا از عام که دایره شمول عام را محدود می کند و بر دو قسم است: الف- مخصص منفصل لفظی مانند ماده ۱۴۰ ق.آ.د.م. که مخصص حکم عام ماده ۳۵۳ ق.آ.د.م. است؛ ب- مخصص منفصل عقلی مانند تخصیص روایت «المؤمنون عند شروطهم» به شرط نتیجه و شرط صفت به درک عقلی، به عبارت دیگر حکم عام روایت با یک دلیل لفظی دیگری تخصیص نخورده ولی عقل حکم می کند که شرط صفت و شرط نتیجه چون عملی نیستند که انجام پذیرند از عموم روایت خارج هستند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۰۷)

۲۴۰- از آنجا که مطابق ماده ۳۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری، ادای سوگند بعد از حاضر شدن پروانه وکالت یعنی پس از اتمام دوره کارآموزی وکالت انجام می شود، مجازات مربوط به «تخلف از قسم»؛ موضوع بند ۳ ماده ۸۱ آن آیین نامه شامل حال کسی که مشغول گذراندن دوره کارآموزی است نمی گردد. این وضعیت مصداق کدام یک از موارد ذیل است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) خروج تخصصی ب) خروج تخصیصی

ج) حکومت د) موارد الف و ج

گزینه «الف» صحیح می باشد.

دومین نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره های ۳۰۶ و ۳۰۷.

۲۴۱- ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م. که مقرر داشته: «از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقات و اصلاحات آن و مواد ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳ و ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می گردد». (آزمون ۱۳۸۹)

الف) متضمن نسخ شخصی است.

ب) متضمن نسخ نوعی است.

ج) متضمن نسخ غیر صریح است.

د) متضمن نسخ صریح، شخصی و نوعی، هر سه است.

گزینه «د» صحیح می باشد.

کجه نسخ در اصطلاح علم حقوق عبارت است از اینکه قانون مؤخر حکم قانون مقدم را بردارد و در اصول فقه عبارت است از «رفع الحكم الشرعی» بدلیل شرعی متأخر. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۱۱۹)

۲۴۲- ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود، حکم موت فرضی او داده می‌شود.» ماده ۱۵۵ قانون امور حسبی می‌گوید: «جلسه رسیدگی به درخواست به فاصله یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی معین می‌گردد...» ماده اخیر از نظر احتساب اولین آگهی مذکور در ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) ناسخ آن است. ب) منحصص آن است.

ج) مبین آن (به کسر یاء) است. د) مقید آن (به کسر یاء) است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۱۲۱.

مبحث هجدهم: اصول عملیه دیگر

۲۴۳- اصل تأخر حادث، با چه اصولی توجیه می‌شود؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) با اصاله الظهور ب) با اصاله البرائه

ج) با اصل عدم و با استصحاب توجیه می‌شود. د) اصل مستقلى است در عداد و سایر اصول

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۲۴.

۲۴۴- هرگاه دخول شیئی در مبیع عرفاً مشکوک باشد آن شیئی داخل در بیع نخواهد بود. این معنی ناشی از اصل است.

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) استصحاب ب) برائت

ج) تأخر حادث د) عدم

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کجه اصل، عدم چیزی است تا وجودش ثابت شود و به اصل عدم نامیده شده است. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۶۴)

۲۴۵- در صورتی که متصرف، اقرار به مالکیت شخص ثالث نسبت به ملک متصرفی خود کند، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) متصرف، مالک شناخته شده و مدعی، محکوم به بی‌حقی است.

ب) طبق اقرار، ملک متصرفی از او خلع و به شخص ثالث داده می‌شود.

ج) اماره ید با اقرار متصرف، تعارض و تساقط کرده و حکم مسأله از طرق و موازین دیگر باید منظور شود.

د) اصل عدم مالکیت ثالث با اقرار متصرف تعارض و تساقط کرده و ملک، مجهول‌المالک اعلام شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

کجه هرگاه ذوالید اقرار کند که ملک متصرفی او سابقاً به مدعی بوده، عقیده مشهور این است که آن ملک از او گرفته شده و به مدعی داده می‌شود. که البته این حکم از باب تقدم استصحاب نیست بلکه، مبتنی بر اثر اقرار است. بدین توضیح که، متصرف با اقرار به مالکیت سابق مدعی، دعوا را دگرگون می‌کند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۶)

(آزمون ۱۳۸۲)

۲۴۶- ماهیت اصاله لزوم چیست؟

الف) اماره لزوم عقود است. ب) از اصول لفظی است.

ج) قاعده کلی متکی به قانون است. (د) از ملحقات اصول عملیه است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

۲۴۷- اگر متصرف، اقرار به مالکیت سابق مدعی کند، تکلیف چیست؟ (آزمون ۱۳۸۳)

الف) بسته به نظر قاضی در هر مورد است.

ب) ملک از متصرف، خلع و به مدعی داده می‌شود.

ج) طبق قاعده ید، متصرف، مالک شناخته می‌شود.

د) ملک، به مدعی داده می‌شود، هرگاه متصرف نتواند انتقال آن ملک را به خود، اثبات نماید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۳۶.

۲۴۸- در صورت شک در مشروعیت تصرف ذوالید، حکم چیست؟ (آزمون ۱۳۸۳)

الف) استصحاب عدم مالکیت جاری است.

ب) اصل عدم مشروعیت منشاء تصرف، جاری است.

ج) طبق قاعده ید، حکم به مالکیت متصرف داده می‌شود.

د) در صورتی که منشاء تردید، احتمال غصبیت باشد، استصحاب عدم مالکیت و در غیر این صورت، قاعده ید حاکم است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۲۴۹- در قوانین موضوعه، استناد به عموم عام قبل از تفحص از مخصص، جایز است؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) تنها در صورت احتمال مخصص متصل، فحص و جستجو از آن، ضرورت دارد.

ب) تنها در صورت احتمال مخصص منفصل، فحص و جستجو از آن، ضرورت دارد.

ج) تفحص در مخصص، برای استناد به عموم عام، ضرورت ندارد.

د) تفحص از مخصص، شرط امکان استناد به عموم عام است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲۵۰- «کلام» علم مطالعه موجودات است از طریق (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) شرعی صرف

ب) استقرائی

ج) عقلی صرف

د) شرعی و عقلی (تا جایی که عقل برخلاف شرع نباشد).

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

کلام علمی است که از اصول مذهب و مسائل مربوط به آن گفتگو می‌کند. به عبارت بهتر، علم کلام مطالعه درباره موجودات است از طریق شرعی، البته عقل را نیز تا آنجا که برخلاف شرع نباشد، به کار می‌گیرند. (دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۱۹)

۲۵۱- قاعده ترجیح بالأحداث: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) صرفاً دلیل بر ترجیح حکم با قانون مقدم است، اما تقدیم حکم یا قانون مقدم را متعین نمی‌سازد.

- ب) قاعده‌ای است که با شرایطی می‌توان در تعارض قوانین از آن استفاده کرد و قانون مؤخرالتصویب را مقدم داشت.
- ج) مختص به شریعات است و اجرای آن در قوانین عادی، وجهی ندارد.
- د) تقدیم قانون مؤخرالتصویب بر قانونی که پیش‌تر اعتبار یافته است را در هر حال متعین می‌سازد.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد.

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۲۵۲- تأثیر شرط متأخر در مشروط متقدم:

- الف) هم در تکوینات و هم در اعتبارات در مواردی امکان‌پذیر است.
- ب) عقلاً امکان‌پذیر نیست، جز اینکه نصی از شرع یا قانون بر آن موجود باشد.
- ج) در قلمرو امور اعتباری، امری کاملاً رایج است.
- د) مربوط به قلمرو تکوینات است و در عالم تشریع و قانونگذاری راه ندارد.
- گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

۲۵۳- هرگاه شخصی زوجه و پدری فقیر دارد که باید مخارج هر دو را مطابق مادتين ۱۱۰۶ و ۱۲۰۰ قانون مدنی بپردازد ولی تنها مخارج یک نفرشان را می‌تواند تأمین کند. طبق ماده ۱۲۰۳ آن قانون پرداخت نفقه زوجه بر نفقه پدر مقدم است. این وضعیت مصداق چیست؟ (آزمون ۱۳۸۸)

- الف) تعارض واقعی
- ب) تعارض ظاهری
- ج) تراحم
- د) تخصیص
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۳۴۵.

۲۵۴- ماده ۸۳۳ قانون مدنی که می‌گوید: «ورثه موصی نمی‌تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است.» دارای چه نوع مفهومی است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

- الف) مفهوم حصر
- ب) مفهوم شرط
- ج) مفهوم غایت
- د) مفهوم وصف
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، صفحه ۸۲.

۲۵۵- ماده ۸۷۱ قانون مدنی که می‌گوید: «هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.» مصداق کدامیک از اقسام مخصص متصل می‌باشد؟ (آزمون ۱۳۹۰)

- الف) وصفی
- ب) شرطی
- ج) غایت
- د) استثنایی
- گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، شماره ۱۰۶.

(آزمون ۱۳۸۸)

۲۵۶- اصالةالصحة در ابواب معاملات به این معنی است که:

- الف) اگر معامله‌ای عرفاً واقع شود و تردید باشد که آیا دارای تمام شروط صحت بوده یا نه، باید قائل به صحت شد.
- ب) اگر در شرطیت امری در صحت یکی از عقود و ایقاعات تردید شود، باید آن شرط رعایت نشود.

ج) معاملات اعم از عقود و ایقاعات بر طبق اصاله الصحه باید دارای تمام شرایط و فاقد همه موانع صحت باشد.

د) معاملات اصولاً صحیح انجام شود و در صورت تردید در صحت آن، اصل صحت رعایت نشده است.

گزینه «الف» صحیح می باشد.

۲۵۷- در ماده ۳۵۹ ق.م. که می گوید: «هرگاه دخول شیئی در مبیع عرفاً مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه

تصریح شده باشد.» کدام اصل اجرا شده است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) اصل عدم (ب) استصحاب عدمی

ج) استصحاب وجودی (د) هر سه مورد

گزینه «الف» صحیح می باشد.

✍ رجوع کنید به دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۲۸۵.

اطلاع رسانی حقوق و قانون

دوهفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوق و قانون ایران

[Www.Magazine.Shme.ir](http://www.Magazine.Shme.ir)